



### وظایف فدائیان خلق در شرایط کنونی میهنمان

چهل سال از تولد جنبش فدائی و غرش فدائیان در بطن جنگل های سرد و پوشیده از برف سیاهکل گذشت. از آن ایام سال ها می گذرد و در این گذر زمان حوادث بسیاری را به تجربه نشستیم ایم و حال تجربه ی چهار دهه مبارزه را در کوله بار خود توشه کرده ایم. تجاری تلخ و شیرین، و آکنده از بیم و امید، تجاری که هر یک به بهای زندگی عزیزی بدست آمده، و اینک ما میراث داران آن قافله ایم.

این میراث گرانبها را مسئولیتی است همزاد. میراث دار جنبش فدائی می دانیم، نمی توانیم از زیر بار مسئولیت همزاد آن میراث، شانه خالی کنیم. تلاش کنیم مسئولیت ها و وظایف خود را بعنوان فدائی و وارث جنبش فدائیان بشناسیم. با تعریف مسئولیت ها شاید دیگر نیازی برای اثبات برادریمان وجود نداشته باشد و بعید نیست که عطای وراثت را به لقایش ببخشیم.

در عرصه ی داخلی و منطقه ای و جهانی ما فدائیان را مسئولیت هایی است. وظایفی داریم نسبت به یکدیگر، به مردمان، در قبال کارگران و زحمتکشان و در راستای استیفای حقوق خلقها و برای رشد آگاهی و متشکل نمودن

### اهم وظایف ما فدائیان:

#### - مبارزه در راستای زدودن انحرافات تئوریک

دو دهه از شکست شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپا می گذرد. شکستی که با هجوم بی امان نظام سرمایه داری و جا انداختن ایدئولوژی نئولیبرالیستی همراه بود. در این مدت جهان سرمایه داری با تمامی امکانات تبلیغاتی و ایدئولوژیک اش در پی جا انداختن تئوری "پایان تاریخ" " سرمایه داری" یورش می دهد. ادامه در صفحه ۲

### در این شماره:

- پایانه مشترک فدائیان اکثریت و اتحاد فداییان ۳ صفحه
- همراه با فداییان در چهلمین سالگرد ۱۹ بهمن ۴ صفحه
- در دفاع از سوسیالیسم (۲۶) در چهلمین ۶ صفحه
- در چهلمین سال رستاخیز سیاهکل ۹ صفحه
- موقعیت و نقش زنان در جنبش فدائی ۱۱ صفحه
- ندای معلم در جنبش سیاهکل ۱۲ صفحه
- پا به پای جنبش چریکی در شعر ۱۳ صفحه
- در حاشیه مصاحبه تلویزیونی بی بی سی ۱۴ صفحه

### ارتباط با ما:

  
Kar-dakhel@yahoo.com  
Kar.dakhel@gamil.com

www.kardakhel.com آدرس سایت کار داخل:

### بیابان را سراسر، مه گرفتست

بیابان را سراسر، مه گرفتست  
چراغ قریه پنهان است  
موجی گرم در خون بیابان است  
بیابان، خسته

نفس بشکسته

در هذیان گرم مه، عرق

می ریزدش آهسته از هر بند

بیابان را سراسر مه گرفته است می گوید به خود، عابر

سگان قریه خاموشند

در شولای مه پنهان، به خانه می رسم گل کو نمی داند مرا ناگاه

در درگاه می بیند.

اشکی بر لبش لبخند، خواهند گفت:

بیابان را سراسر مه گرفته است ... با خود فکر می کردم که مه، گر

همچنان تا صبح می پایید مردان جسور از

خفیه گاه خود به دیدار عزیزان بازمی گشتند

بیابان را

چراغ قریه پنهان است، موجی گرم در خون بیابان است

بیابان، خسته لب بسته

نفس بشکسته در هذیان گرم

مه عرق می ریزدش آهسته از هر بند

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر ندانست کیستند  
فریادشان تموج شط حیات بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پرگشوده ی طوفان که روز مرگ  
دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند  
می گفتی ای عزیز!  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند  
باز آخرین شقایق این باغ نیستند

( سرشک ) شفיעی کدکنی



بی رحمانه و بی وقفه. همچنین سه دهه از یورش جمهوری اسلامی به نیروهای ترقی خواه و عدالت طلب می گذرد. یورش که در راستای یورش نظام جهانی سرمایه داری و به ترغیب و تشویق آنها انجام گرفت. چپ کشورمان هنوز درد طاقت فرسای ضربات وارده را بر پیکر خویش احساس می کند.

در عرصه ی جهانی، چپ توانسته است با پشت سر گذاشتن بحران ناشی از شکست، از موضع تدافعی به جایگاهی تهاجمی فرا رود. سراسر اروپا و آمریکای لاتین جولانگه چپ هاست. کمونیسم دوباره بر آسمان نیمکره غربی هویدا گشته و هر آنچه را که مربوط به گذشته می شود را زیر آماج ضربات خویش قرار داده است. در کشور ما نیز از پی سالها رخوت و رکود در تمامی عرصه های مبارزه حضور چپ ملموس است و جای پای آن دیده می شود. پایبندی به آرمانهای فدائیان و تلفیق خلاقانه و پویای آن آرمانها با شرایط کنونی، ابزاری مناسب برای فایق آمدن بر بحرانی است که چپ ایران هنوز نتوانسته خود را از زیر آوار آن خلاصی دهد. در عرصه تئوریک و نظری لازم بایستی برای زدودن رسوبات نئولیبرالیستی و در مبارزه با ایدئولوژی سازی آن با ادعای ایدئولوژی زدائی، پیکاری ایدئولوژیک براه اندازیم. بایستی تردیدی که در باورهایمان ایجاد شده است، را با آموختن و تمسکی پویا به سوسیالیسم علمی به نقطه قوت خود تبدیل کنیم. بدون مبارزه تئوریک نمی توان به آینده ای روشن امیدوار بود. در تسلیخ خود به دانش اجتماعی متناسب با نیاز زمان از جمله وظایف فدائیان و تمامی کمونیست های کشورمان می باشد.

### - در قبال همدیگر و در راستای اعتلای جنبش فدائی

طیف های مختلف فدائی با گرایشات و تعلقات سیاسی متفاوتی که دارند، در عین حال دارای وجه مشترکی نیز هستند. گذشته مشترک و پیوند عاطفی بین آنها، موضوعی که در بین فدائیان داخل کشور به شکل بارزی موجب همکاری و اشتراک عمل شان می گردد، هر چند نمی تواند عامل تعیین کننده ای در نزدیکی طیف های مختلف فدائی باشد، با این همه عامل مؤثری در همگرایی آنها بشمار می آید.

فدائیان خلق بعنوان بخش بزرگی از نیروی چپ کشورمان بایستی در تعمیق و گسترش همکاری های خود . شاید نیازی به توضیح نباشد که همگرایی و همکاری آنان، را نباید بمتابه نادیده گرفتن اختلافات و تفاوت های موجود که بعضاً در شکوفائی جنبش فدائی نقش مثبتی می تواند ایفاء نماید، تلقی نمود.

زمینه های فراوانی برای همکاری طیف های فدائی با یکدیگر در عرصه ی مبارزات اجتماعی و سیاسی کشورمان . تا به امروز آنچه که برجسته بوده تلاش برای بزرگ نمائی تفاوت ها و اختلافات بوده است. اما جو مثبتی که از پی سالها وحدت گریزی بوجود آمده ضرورت تلاش ما برای شکوفائی زمینه ها همگرایی را صد چندان نموده است. فایق آمدن بر گرایشات تشتت گرا و وحدت ستیز گامی بلند در مبارزه علیه استبداد رژیم اسلامی و غلبه بر تفرقه افکنی حکومت ولایت فقیه است. با دمیدن بر آتش تفرقه و تشتت آتش بیار معرکه ارتجاع حاکم نشویم.

### - برای شکل گیری اتحاد چپ

مبارزه برای شکل گیری اتحاد چپ امری ضروری است که می بایستی در دستور کار فدائیان خلق قرار گیرد. منصفانه بیاندیشیم هیچ نیروی چپی را در کشورمان نقشی هژمونیک نیست. چپ ایران هنوز بطور کامل از زیر آوار شکست کشورهای سوسیالیستی بیرون نیامده ولی سنگینی آن

نیز چون گذشته دیگر روی بر دوشش فشار نمی آورد. ولی با این همه لازم است به خیلی از مسائل پاسخی در خور داشته باشد. بدنه ی احزاب و سازمان های چپ هنوز برای خیلی از مسائل با . اما فشار امنیتی هنوز جریانات چپ را در موضع تدافعی قرار داده و انسجام آنان را در داخل بر هم زده، هر چند که تشکیلات خارج از کشور آنها نیز حال و روز چندان خوشی . در این شرایط بحرانی و نبود تشکیلاتی منسجم تقسیم نیروهای چپ به محافل منفرد و غیر مؤثر تنها آب به آسیاب جمهوری اسلامی خواهد ریخت. نیروهای ما هنوز از آن شرایط ایده آل که بتوانند تأثیری برنامه ریزی شده بر جریانات سیاسی داشته باشند، به دوراند. برای دمیدن روحیه مبارزه و جنگندگی اتحاد نیروهای چپ حتی در اشکال ابتدائی از جمله برگزاری مراسم،

میتینگ ها و راهپیمائی های مشترک می تواند کارساز باشد. هر چند که وقوع چنین امری نیاز مبرم جنبش چپ برای تأثیر گذاری بر جنبش دمکراتیک کشورمان و داشتن سهم متناسب با وزن خویش در مدیریت جنبش بشمار میآید.

فدائیان خلق بخش بزرگی از نیروی چپ کشورمان بشمار می آیند، از اینرو همگرایی و نزدیکی آنها و اجرای برنامه های مشترک توسط طیف های مختلف آن می تواند سرآغازی خجسته برای تحقق پروژه وحدت چپ کشورمان باشد. طیف های گوناگون فدائی در کوران مبارزات سه دهه ی گذشته هر یک با احزاب و سازمانهای مختلفی نزدیکی و همکاری داشته . این موضوع می تواند عاملی برای نزدیکی نیروهای مختلف و بعضاً متخاصم اردوی چپ کشورمان باشد، اگر بتوانند خود پروژه ی همکاری را آغاز نمایند. مطمئناً نزدیکی فدائیان به اتحاد چپ کمکی شایان خواهد نمود.

### - برای شکل گیری اتحاد نیروهای دمکراتیک

بدون شکل گیری اتحادی دمکراتیک و فراگیر، حداقل در شرایط کنونی و با ترکیب قوای موجود، قادر به عبور از جمهوری اسلامی نخواهیم بود. اتحادی گسترده حول خواست هایی عام و مورد پذیرش همه، برای ایرانی بدون ولایت فقیه و بدون جمهوری اسلامی نیاز عاجل کشورمان بشمار می آید. فدائیان خلق بعنوان گردان رزمنده ی جنبش چپ تمامی تلاش خود را برای شکل گیری چنین فرآیندی بکار خواهند گرفت و فعالانه در این روند مشارکت . ما سعی خواهیم کرد در این مبارزه نقشی فعال و تأثیر گذار داشته باشیم. چپ و همکاری طیف های فدائی گامی آگاهانه و مسولانه برای جواب دادن به مسئولیتی است که میراث داران فدائی بر عهده دارند.

### - برای مبارزه با سلطه امپریالیسم (نئولیبرالیسم، جهانی سازی)

نئولیبرالیسم ایدئولوژی غالب جهان سرمایه داری . نئولیبرالیسم نظام حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ارزش های اجتماعی نوینی را ارائه نموده. مجموعه ای بی بدیل برای تشدید استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان و خلقهای محروم در کشورهای پیرامونی. بدون شناخت کافی از به مرکز ثقل این تحولات و بدون یورش به عرش آن کاری که شروع کرده ایم ناتمام خواهد ماند. پروژه جهانی سازی آن هدف اصلی و بزرگی است که جهان سرمایه داری و دول امپریالیستی توسط شرکت های فراملیتی و حمایت خود . نمی توان نئولیبرالیسم را در تمامی عرصه ها مورد تعرض قرارداد مگر آنکه پروژه جهانی سازی آن را زیر سؤال برد. مبارزه ضدامپریالیستی ارتباطی تنگاتنگ با مبارزه کارگران و زحمتکشان و خلق های تحت ستم علیه نئولیبرالیسم دارد. مبارزه علیه نئولیبرالیسم بعنوان نماد امروزی نظام سرمایه داری جهانی، وظیفه ی انکار ناپذیر فدائیان خلق در مبارزه ضدامپریالیستی آنها بشمار می آید. پرچم مبارزه توأمان ضدامپریالیستی و ضد نئولیبرالیسم به وظایف ملی و جهانی خویش وفادار بمانیم.

### وظیفه انترناسیونالیستی

مبارزات ملی ما برای تحقق صلح، آزادی، استقلال، دمکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، ارتباطی تنگاتنگ با مبارزات دیگر خلق ها و زحمتکشان جهان . بدون حمایت از مبارزات دیگر خلقها و یاری گرفتن

از مردم جهان، در پیکار علیه سرمایه داری و امپریالیسم جهانی، هزینه های مبارزه بالا می رود و احتمال شکست بیشتر و بعضاً غیر ممکن می گردد.

فدائیان خلق همواره به انترناسیونالیسم پرولتری و دفاع از حقوق و خواست دیگر خلقها و کارگران و زحمتکشان جهان وفادار بوده اند. و نظام سرمایه داری قادر نیست این سلاح کارگران و زحمتکشان را از ما و دیگر کمونیست ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه بازپس گیرد. حتی به یاری بمبارانهای تبلیغاتی و تمسک به توجیحات وادادگان جنبش چپ. این میراث بزرگ مبارزات کارگری و آموزش کارل مارکس در جهان وطن بودن کارگران را پاس بداریم.



## بنیانه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به مناسبت چهلمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران

### وحدت چپ دمکرات و سوسیالیست، مهم ترین چالش پیش روی فدائیان خلق

نزدیک کرده است. اولین بار است که در کنار هم سالروز بنیانگذاری جنبش فدائی را جشن می گیریم. آخرین باری که در سالگرد 19 بهمن بسیاری از رفقای ما با هم بودند، سی و یک سال پیش بود. زمانی که هنوز انشعابی رخ نداده بود. هر کدام از ما مسیرهای متفاوتی را در سی سال گذشته طی کرده ایم. این راه بدون سنگلاخ نبوده است. اما امروز بدون آن که بر اختلافات و مشکلات تاریخی فیما بین، از جمله تبدیل ولو موقت بخشی از جنبش فدائی به نیروی حامی رژیم حاکم چشم بندیم، با علم به عمق اشتباهاتی که در گذشته رخ داده است، و با نقد سکتاریسم سیاسی حاکم بر بخش دیگری از فدائیان خلق، به گام هائی ارج می گذاریم که در نقد کاستی ها، در جهت احیای اعتبار و ارزش های جنبش فدائی برداشته شده است و بر آغاز دیگری در جهت نوزائی چپ ایران پای می فشارد.

هر دو سازمان تاکید دارند که فدائیان خلق به عنوان وسیع ترین بخش فعالان چپ می توانند نقش شایسته خود را در وحدت چپ دمکرات و سوسیالیست ایران حول برنامه و اهداف روشن در جهت استقرار دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران و همراهی با تمامی نیروهای دمکرات و آزادیخواه کشورمان ایفا کنند. کشور ما برای رهائی از بختک استبداد مذهبی و برای استقرار یک جمهوری دمکراتیک و سکولار در ایران، نیازمند یک چپ قدرتمند و موثر در حیات سیاسی کشور است. گذار به دمکراسی و استقرار عدالت اجتماعی و تحقق اهداف سوسیالیستی که بر سرلوحه برنامه جنبش فدائیان خلق از همان آغاز حک شده است، به خودی خود تحقق نخواهد یافت. تحقق هر برنامه ای در گرو سازماندهی و بسیج نیرو برای پیشبرد آن است.

امروز همه شواهد حاکی از آن است که جامعه ما آستان تحولات جدیدی است. جنبش اعتراضی مردم بعد از انتخابات 22 88 اگر چه با سرکوب و تهدید و زندان به عقب رانده شده است، اما آتش زیر خاکستر است. هر جا که امکان بروز پیدا کند، سر ریز خواهد کرد. تحولات منطقه و تغییرات در کشورهای عربی نیز شمارش معکوس سقوط دیکتاتوری ها را آغاز کرده است و استبداد حاکم بر کشور ما نمی تواند استتار

ما بر این باوریم که جنبش چپ ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری برای آن که بتواند نقشی در خور در تحولات آتی جامعه ایفا کند، نیازمند برآمدی متحدتر و با قدرت عمل بیشتر در صحنه سیاسی کشور است. چپ متحد و قدرتمند تضمینی برای استقرار یک جامعه آزاد و عادلانه است.

در چهلمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق، ما بار دیگر با وظیفه سازماندهی وحدت چپ مواجهیم و معتقدیم که فدائیان خلق، به مثابه بزرگ ترین طیف فعالان چپ، می توانند همگام با دیگر نیروهای چپ دمکرات و سوسیالیست نقش برجسته ای در تحقق چنین وحدتی ایفا کنند و با الهام از بنیانگذاران این جنبش موانع بر سر راه شکل گیری یک چپ قدرتمند و موثر در سیاست ایران را بر طرف سازند.

وحدت چپ دمکرات و سوسیالیست مهم ترین چالش پیش روی فدائیان خلق و همه محافل چپ دمکرات و آزادیخواه ایران است.

بار دیگر یاد جانباختگان سیاهکل و دیگر یاران فدائی را گرامی می داریم. با فراگیری از تجارب چهل سال مبارزه و تلاش، بر اهداف آزادیخواهانه و عدالت طلبانه آنان پای می فشاریم.

چهلمین سالگرد 19 بهمن، سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران را به همه رهروان این جنبش تبریک می گوئیم، به همه رفقای که با قلم و قدم به تداوم حیات این جنبش یاری اند، ادای احترام میکنیم، در برابر همه جانباختگان فدائی سر تعظیم فرود می آوریم و به ها درود می فرستیم!

چهل سال پیش در چنین روزی با حمله یک گروه از فدائیان خلق به پاسگاه ژاندارمری در سیاهکل، بنیان جنبشی در تاریخ کشور ما گذاشته شد که هشت سال بعد و در آستانه انقلاب 1357 به بزرگترین جریان چپ ایران فراروتید. سیاهکل یک نقطه عطف در تاریخ چپ بود و جریان برآمده از آن به نماد پیکار علیه استبداد و مبارزه برای آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبدل شد و رابطه ای مستقیم بین این مبارزان با بخش مهمی از نسل برخاسته از خاکستر شکست 28 1332 برقرار کرد. ایستادگی بر اهداف، از خودگذشتگی و شجاعت در عمل و نظر، مقابله رو در رو با دیکتاتوری حاکم، بیان روحیهی نسل پیکارجوی آن روز فدائیان سازمانی را بنیان گذاشتند که سرمنشا جنبشی نوین در چپ ایران و پژواک نوزائی درونی آن شد.

هنر بزرگ گروه های تشکیل دهنده سازمان ( بیژن جزنی و حسن ضیا ظریفی و گروه امیرپرویز پویان، عباس مفتاحی و مسعود احمدزاده) تدارک برنامه و سیاستی بود که حتی با از بین رفتن بخش اعظم کادرهای اولیه و رهبری سازمان، امکان رشد، بقا و فعالیت مستمر یافت. ی ثقل چپ جدید ایران بدل شد. آن ها توانستند با پشتکار و خلاقیت خود، راه پر کردن خلا بزرگی را در جنبش چپ ایران هموار کنند.

سازمان فدائیان خلق از لحظه تشکیل تا آستانه انقلاب بهمن، قربانیان بی اعظم کادرها و اعضای آن در درگیری ها جان باختند، و یا سی ام فروردین سال 1354 رفیق بیژن جزنی و یارانش در زندان ترور شدند و دست آخر، طی ضربات 1355 تعداد زیادی از کادرها و تمام اعضای رهبری سازمان در درگیری با نیروهای سرکوب حکومتی کشته شدند. اما علیرغم همه این ضربات، جنبش ما گسترده تر شد و سازمان فدائی با اتکا به نیروی وسیع حول خود تجدید قوا نمود.

رمز ماندگاری فدائیان خلق بسیج نیروی بود که بر مبارزه علیه استبداد و بر پی ریزی ایرانی آزاد، دمکراتیک و مستقل و بر تامین زندگی انسانی برای کارگران و زحمتکشان پای می همین واقعیت هم در آستانه انقلاب بهمن و در هشتمین سالگرد بنیانگذاری، فدائیان خلق را به قوی ترین جریان چپ و مهم ترین نیروی اپوزیسیون حکومت جدید تبدیل کرد.

در فردای انقلاب بهمن، سازمان ما با وضعیت جدید مواجه شد. از یک سو با رویکرد وسیع توده های به سازمان با مساله تغییر سازماندهی و ایجاد ظرفیت های لازم برای پاسخگویی به وظائف جدید مواجه بود، از سوی دیگر ساختار موجود آن امکان انطباق سریع با شرایط متحول و جدید را محدودتر می کرد. از یک سو نیروهای سازمان در اقصی نقاط ایران و به خصوص در مناطق ملی با نیروهای حاکمیت جدید درگیر بودند، از سوی دیگر هنوز تحلیل دقیق از حاکمیت برآمده از انقلاب بهمن و سیاست روشنی در مواجهه با آن وجود نداشت. در چنین شرایطی اختلافات بر سر خط مشی گذشته و نحوه برخورد به حکومت حاد شد و منشا انشعابات از جمله انشعاب بزرگ اقلیت و اکثریت گردید و موجبات تضعیف نقش و موقعیت جنبش فدائی در صحنه سیاست کشور را فراهم آورد.

ضرورت پاسخگویی به مطالبات پایهی اجتماعی جنبش فدائی از یک سو، و از سوی دیگر تحولاتی که در طی چند دهه گذشته در اندیشه و عمل دو سازمان صورت گرفته، ما را به هم





# همراه با فداییان در چهلمین سالگرد ۱۹ بهمن ۱۳۴۹

## سازمان فدائیان (اقلیت)

### ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل

#### ۴۰ سال مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم

سیاهکل، فرزند زمانه ای که شرایط مشخص در یک دوره تاریخی معین، توجیه گر نیاز و ضرورت آن. آفرینان فدایی که در ۱۹ ۱۳۴۹ پاسگاه سیاهکل، در جنگل های شمال جنگیدند، قهرمانانه ایستادند و در نبردی نابرابر، جان باختند، یک وظیفه

مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم، در یکی از سیاهترین دوره ی رژیم دیکتاتوری و اختناق شاه که با دستگاه پلیسی و امنیتی اش، جو ترس، رعب و وحشت را بر جامعه حاکم کرده بود، با صدایی رسا به رژیم اعلان جنگ دادند. این سرآغازی بود بر مبارزه چریک های فدایی خلق ایران، در کشوری که رژیم شاه در دوران پرتلاطم سیاسی جهان، بر آن، جزیره

بنابراین تأکید ما بر نقش و تأثیر سیاهکل و مبارزات سازمان، با نگرشی نقادانه و کمونیستی همراه است. اگر امروز نه صرفاً سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را پاسدار سنت انقلابی کمونیستی سازمان چریک های فدایی خلق ایران می داند و نبرد سیاهکل را سالروز اعلام موجودیت سازمان، بلکه حتا در مقیاسی بسیار فراتر از تعدادی سازمان های سیاسی، بر نبرد حماسی سیاهکل و مبارزات سازمان، ارج نهاده می شود، دقیقاً به خاطر تأثیر عمیق و مثبتی است که این رویداد در ایران بر جای نهاده و به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی مبارزاتی های کارگر و زحمتکش تبدیل شده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) در چهلمین سالگرد بنیان گذاری سازمان، بار دیگر تأکید می کند که راه نجاتی برای توده های مردم ایران، جز یک انقلاب اجتماعی کارگری وجود ندارد. ترین وظیفه های که امروز در برابر ما قرار دارد، تلاش برای تشکیل طبقه کارگر و ارتقای سطح آگاهی طبقاتی کارگران است. ایجاد تشکل های کارگری، به ویژه تشکل های مخفی از نمونه کمیته های مخفی کارخانه، یکی از ضرورت های کنونی جنبش کارگری . هیچ تحول های وسیع مردم ایران نمی تواند رخ دهد، مگر از طریق یک انقلاب اجتماعی که وظیفه فوری آن سرنگونی جمهوری اسلامی، استقرار یک دولت شورایی، اجرای بی درنگ مطالبات عمومی مردم ایران و گذار به سوسیالیسم است.

های مردم ایران نشان می دهد که اشکال مبارزه

سرنگونی جمهوری اسلامی، اشکال مبارزاتی مختص طبقه کارگر و در رأس آن

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، که بیانیه ی مشترکی



به مناسبت چهلمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران منتشر کرده و عزم خود را بیش از پیش برای اتحاد چپ اعلام نموده اند، در این راستا جشن مشترکی را در شهر کلن آلمان برگزار کرده اند که پوستر آن را مشاهده می کنید.

امیدوار بودیم در چهلمین سالگرد تولد جنبش فدائی، طیف های مختلف فدائی برای پاسداشت این روز تاریخی اقدامی مشترک برای برگزاری هر چه باشکوهتر این روز بعمل می . کاری که در داخل کشور و در ابعادی محدودتر و البته به تعدادی زیاد انجام

## سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

### بمناسبت چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل، چهل سال پیکار در راه آزادی و سوسیالیسم

اکنون چهل سال از آن روز سپری میشود روزی که جرقه های فدائیان در جنگل سیاهکل آتشی را برافروخت که شعله های ازهرکران پیدای آن بعد از چهاردهه روشنی بخش راه انقلابیونی است که برای رهائی از ستم و سرکوب و استثمار و بی حقوقی مبارزه میکنند.

حمله به پاسگاه سیاهکل و مبارزه مسلحانه علیه قدرت سرکوبگر طبقه حاکم با این امید آغاز شد که بدینوسیله قدر قدرتی دستگاه چینی شاه و ترس و وحشت نهادی شده دردل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم بشکند و آنها را به قدرت لایزال خود آگاه شوند، تا بتوانند با سلاح آگاهی و تشکل خود، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

اینک که ۴۰ سال از حماسه سیاهکل و ۳۳ سال از قیام خونین توده های مردم سپری میشود، بدلیل وجود همین ضعف ها و عدم تشکل و انسجام طبقه کارگر و نبود ستاد رزمنده آن، حاکمیت صاحبان قدرت و ثروت همچنان ادامه یافته است . حاکمیتی که جزسیاهی و تباهی و فقر و گرسنگی برای توده های کار و زحمت و ثروت های باد آورده برای مافیای قدرت ثمری . پس در چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل بکشیم از درسا و تجارب گذشته و از نقاط قوت و ضعف خویش بیاموزیم تا از تکرار اشتباهات و انحرافات گذشته پرهیز نموده و برای تحقق آرمانهای سوسیالیستی و انسانی که از حماسه سیاهکل تاکنون هزاران انسان برای تحقق آن جان فدا کرده اند، متحد و متشکل شویم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و نیز تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و به سهم خود از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه کمونیستهایی که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه پراکندگی در این کوششها سهمیم و شریک شوند.



سفر آئی. رفیق احمد موسوی (سازمان فدائیان-اقلیت) موسوی داکتر حماسه سیاهکل بر جنبش دانشجویی ایران با حضور رفیق مسطقی گرگین نوازنده و هنرمند انقلابی (سازمان فدائیان-اقلیت) و اجرای قطعات موسیقی انقلابی و فولکلوریک زمان: شنبه ۵ فوریه ۲۰۱۱ از ساعت ۱۱ تا ۱۱ شب مکان: تئاتر وگ کومونیتی سنتر شماره ۶۰۰ خیابان کونینگز غربی (نورث ونگور) سازمان فدائیان (اقلیت) ونگور، کالیفرنیا

## سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

چهل سال پیش در 19 1349 یک گروه 9 نفره از پارتیزانهای فدایی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفائی فراهانی، با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در استان گیلان، یکی از شیواترین حماسه های جنبش آزادیبخش مردم ایران را آفریدند. حماسه آفرینان رستاخیز سیاهکل پس از سالها کار تدارکاتی پرچم جنبش نوین کمونیستی ایران را برافراشتند و طی 7 سال نبرد بی امان با شگفت انگیزترین فداکارها و جسورانه ترین پیکارها، قدرت مطلقه دیکتاتوری شاه را به سُخره گرفتند و با عمل انقلابی، مرزهای حقیقی بین مردم و دشمن را ترسیم کردند.

جنبش دانشجویی و بخش وسیعی از جامعه فرهنگی و هنری ایران در صف مقدم پشتیبانان این حرکت پرشور و پر امید قرار گرفتند. اکثریت بزرگی از مدافعان راهی و سوسیالیسم خود را با نام و مرام چریکهای فدایی خلق تعریف می کردند و با ادامه مبارزه گروهها و محافل بسیاری در سراسر کشور پیرامون جنبش پیشتاز فدایی به مثابه پرچمدار جنبش کمونیستی ایران، شکل



این جنبش با وجود بعضی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودها، به یک سازمان نیرومند با پایگاه گسترده اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد. در اولین گردهمایی علنی آن در 19 1357 در دانشگاه تهران، بیش از یکصد هزار تن شرکت کردند و در پی آن در گردهمایی و راهپیمایی روز 21 1357 بیش از 200 هزار نفر شرکت کردند.

ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دموکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه ی کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.



## چریکهای فدایی خلق

گزیده هایی از سخنرانی اشرف دهقانی در سالروز سیاهکل در تورونتو

"مبارزه رزمندگان سیاهکل آن قدر عظیم و ارزشمند بود که تاریخ جامعه ما را قدمی جلو برد و ما تاثیرات سترگ این مبارزه را بعدها در جریان قیام بهمن 57 نیز شاهد بودیم و دیدیم که چریک های فدایی خلق چطور با استقبال وسیع مردم سراسر ایران مواجه شدند و این خودش قدرتی به کمونیست ها داد که خمینی در ابتدا نتوانست کمونیست ها را سرکوب کند." :

درستی از رستاخیز سیاهکل به عنوان یک نقطه عطف نامبرده اند در تاریخ مبارزاتی مردم ایران. به این دلیل که درست بعد از سیاهکل است که جو و شرایط سیاسی در ایران به کلی تغییر می کند.

اشرف دهقانی گروه مسعود احمد زاده را طراح اصلی تئوری انقلابی چریک های فدایی خلق معرفی کرد و گفت "این گروه طی 4 سال کارهای عظیمی در زمینه تئوریک انجام دادند و بعد در یک پروسه کار نظری و عملی یعنی رفتن میان کارگران و دهقانان است و کوشش در شناخت شرایط علمی جامعه پرداختند." . همچنین گفت که "اگر دیروز به نادرست بیژن جزنی را تئورسین این سازمان خواندند، امروز کار تحریف تاریخ چریک های فدایی خلق به جایی رسیده که برای ایجاد اغتشاش فکری در بین جوانان کنونی به شهید مصطفی شعیانان هم نسبت نظریه پرداز نسل دهه پنجاه را می دهند، درحالی که جوانان دهه پنجاه از نظرات شعیانان اطلاعی نداشتند." و افزود که "مطالعه شرایط عینی جامعه، کاری بود که تنها این گروه به آن دست زد و تا جایی که من می دانم بدعت گزاران این روش کار هم در دهه 40 ایران، بهروز دهقانی و صمد بهرنگی بودند."

دهقانی حضور سازماندهی شده زنان با هویت زنانه خویش در سازمان های سیاسی را یکی از دستاوردهای عملیات سیاهکل و تشکیل چریک های فدایی خلق توصیف کرد و گفت که دستاورد دیگر آن حل مشکل "سازمان یابی انقلابیون حرفه ای" .

اشرف دهقانی با تاکید بر این که "بحث اصلا تکرار سیاهکل نیست. منظورم این نیست که 4 نفر بروند و حمله کنند به پاسگاه سیاهکل" و بخواهند نتیجه مشابه آن بگیرند، که "باید راز ماندگاری آفتابکاران جنگل را آموخت و با استفاده از تجارب گران بهای آن نسل، باید دید در شرایط کنونی چه موانعی پیشروی جنبش مردم قرار دارد."

"بحث بر سر یادگیری از درس های نهفته تاریخ است" "من تاکید می کنم که در شرایط کنونی مشکل اساسی مردم ما برای رهایی فقدان رهبری است."

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
از مرگ، نیز فرومندان برخاستند  
و از جبهه دوست دانشمندان پانصدگانه  
آوارهای سرخ بند خویش را  
روی قتل خنجر در بند  
بر پا برهنگان  
بر پا دستمخشان  
بر پا گرسنگان  
و خلق کشته نگان خویش  
آنگاه به نابودی منم برخاستند چرا که بان و آزادی را برای همه جن خواستند

در چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، پاس بهار به یاد آن اختران همیشه فروزان فدایی را  
چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کنند:

**سخنران: رفیق اشرف دهقانی**

- سیاهکل در پاسخ به کدام ضرورت های جامعه ایران بوجود آمد
- ماسک تورک منگودهای چریکهای فدایی خلق چه بود و نویسنده آن کی بود
- نامیون حرفه ای و چگونگی مبارزه منم در شرایط احتیاج دوره شاه
- راز چریک فدایی خلق: ستم و آسای انسان نوین کمونیست، در عهد ششده ساله ستم های طب حاکم
- مبارزه چریکهای فدایی خلق: ستم تاریک استبداد استبداد
- مبارزه منم از جوانان منم در دهه 40: مبارزه منم از جوانان منم در دهه 40
- چرا و چگونه در دهه 40 چریکهای فدایی خلق ظهور کردند
- آموزش های آفتابکاران جنگل در حادثه قتل نادرست بیژن جزنی در ایران

**برنامه های هنری: اجرای موسیقی لری، کردی و آذربایجانی**  
**اجرای ترانه سرودهای انقلابی، نمایش ویدئو کلیپ سیاهکل**

شنبه 5 فوریه 2011 ساعت 6 تا 11 بعد از ظهر تورنتو - کانادا

تلفن تماس: 416-۲۴۶-۸۳۶  
email: siahkhal@siahkhal.com  
www.SIAHKAL.COM

Thornhill Community Centre  
7755 Bayview Avenue  
Thornhill, Ontario L3T 4P1



در دفاع از سوسیالیسم (26)

## در چهلمین سالروز رستاخیز سیاهکل، پرچم اتحاد چپ را برافرازم

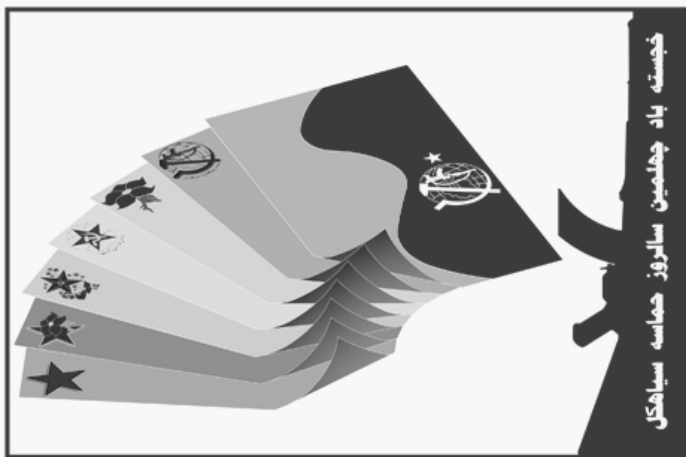
جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)



خصوصیات عمومی این وحدت که در واقع کارپایه سیاسی - نظری چریک‌های فدایی خلق را هویت بخشید بر محورهای عمده پذیرش اندیشه مارکسیسم - لنینیسم، ارزیابی از انقلاب ایران به مثابه انقلابی دموکراتیک و توده‌ای، ضرورت هژمونی طبقه کارگر برای پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک و گذار بی وقفه به انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا برای استقرار سوسیالیسم در ایران، پذیرش مبارزه مسلحانه و اعمال مرکزیت مطلق در تشکیلات استوار بود. چریک‌های فدایی اگرچه مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای تئوری و عمل خود قرار داده بودند، اما دموکراتیسم انقلابی در گروه‌های تشکیل دهنده آن نقش قابل توجهی داشت. چریک‌های نظری، در عرصه مبارزات عملی در تقابل با مشی تسلیم طلبانه و رفرمیستی حزب توده ایران و گرایش‌های نارودنیستی طرفدار چین و آلبانی، توانستند تأثیرات گسترده‌ای در جنبش روشنفکری ایران به جای نهند و نسلی را به مبارزه قاطع با مناسبات حاکم به میدان آورند. آنان در مقابل یاس، بی‌عملی، تسلیم‌طلبی و بی‌ویژگی‌هایی همچون فداکاری، صداقت انقلابی، استقلال، شهامت، مقاومت دلیرانه و پذیرش مرگ سرخ در راه آرمان‌های سوسیالیستی را به نمایش گذاشتند.

\*\*\*

57، نقطه عطفی در حیات جنبش فدایی بود. (1) در مدت زمان کوتاهی، سازمانی محدود که اعضای باقی مانده‌اش از چند ده نفر تجاوز نمی‌کرد و فاقد ارتباط با توده



و طبقه کارگر بود، به یک جریان وسیع توده‌ای و نیرومندترین اپوزیسیون انقلابی حکومت جدید تبدیل شد. ها هزار نسخه اعلامیه در سراسر ایران از سوی ستاد مرکزی سازمان در ها پخش می‌گردید. نشریه "کار" که یک ماه پس از انقلاب منتشر شد، در تیراژی وسیع توزیع می‌گردید. شوراهای بسیاری در واحدهای تولیدی بزرگ، کارخانه ها، مدارس و مناطق ملی تشکیل شد و تحت هدایت ستادهای محلی

در شرایطی که تحولات سیاسی در ایران بسیار سریع، پیچیده و متنوع بود، سازمان فاقد برنامه و سیاست معین و تشکیلات منسجم بود و در موارد بسیاری جنبش خود جوش توده بود که سازمان را به دنبال خود می‌کشاند. علیرغم رشد سریع و اعتماد میلیون‌ها نفر، رهبری سازمان محدود بود و توان هدایت تامل‌های انقلابی را نداشت.

با وجود جذب تعداد بیشماری از فعالین جنبش توده‌ای و پیوستن شان به سازمان، شیوه سازماندهی بر اساس درک غیردموکراتیک و تمرکز مطلق انجام می‌شد. هیچ گونه حقوقی در رابطه با تصمیم‌گیری‌ها به هواداران و نیروهای جدید داده نمی‌شد و عضوگیری انجام نمی‌گردید و کلیه تصمیمات و سیاست‌ها توسط عده محدودی گرفته می‌شد. این روند نه به شعور جمعی بهای لازم می‌داد و نه امکان پرورش کادرها می‌توانست در دستور کارش قرار گیرد. این خصوصیت خود عاملی بود برای عدم پیشرفت امر سازماندهی توده‌ها و طبقه کارگر و

حماسه سیاهکل با حمله مسلحانه گروهی از انقلابیون که استقرار سوسیالیسم آرمانشان بود، به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در 19 1349 کارگری و کمونیستی ایران درخشید و جاودانه شد. حماسه سازان سیاهکل، هر چند خود در یک نبرد نابرابر جان باختند، اما سستی از مبارزه آشتی‌ناپذیر با نظم غیر انسانی سرمایه کشی انسان را پایه گذاشتند.

اهمیت سیاهکل بیش از هر چیز در این بود که از سوی ثبات و آرامش رژیم شاه و افسانه قدر قدرتی آن را در هم شکست و از سوی دیگر توانست بخش وسیعی از نیروهای انقلابی و آگاه جامعه اعم از کارگران، دانشجویان و روشنفکران را به صفوف مبارزات ضد رژیم ستم شاهی جلب کند و بی‌حرکتی و رکود حاکم در عرصه سیاسی کشور را در هم بشکند. ای که در سیاهکل آغاز شد، در شهرها با تشکیل تیم‌های چریکی شهری و مبارزه رو در رو با مزدوران رژیم سلطنت ادامه یافت و 19 1349 " فدائیان " در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران ثبت نمود.

در آستانه چهلمین سالروز حماسه سیاهکل، ما جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور) این روز تاریخی و خجسته را به کلیه رفقای رزمنده طیف جنبش فدائیان خلق و همه مبارزین و رهروان راه استقلال، آزادی، عدالت و سوسیالیسم شادباش می‌گوئیم؛ دست تمامی رفقای فدایی و چپ مارکسیستی را در راستای مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، نئولیبرالیسم و رژیم ضد مردمی حاکم بر ایران می‌فشاریم و به هر حرکت و بخش نیروهای چپ مارکسیستی و بویژه فدائیان خلق به دیده تحسین و احترام می‌نگریم.

\*\*\*

تا پیش از حمله به پاسگاه سیاهکل و علنی شدن مبارزه "سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران" علیه رژیم شاه، گروه‌ها و تشکل‌های معتقد به مبارزه مسلحانه، عمدتاً به فعالیت مخفی برای تدارک مبارزه می‌شد. فعالیت‌های درون گروهی و تدارکاتی همراه با شرکت های اعتراضی و بویژه دانشجویی، مضمون اصلی فعالیت این ها را تشکیل می‌شد. اکثر این گروه‌ها در مرحله تدارک، از سوی نیروهای امنیتی رژیم کشف و بیشتر اعضای آن به اسارت درآمدند. برخی هسته‌ها نیز بدون ارتباط با دیگر گروه واحدهای ضربه نخورده، پس از دست زدن به چند عملیات مسلحانه، زیر ضرب قرار گرفته و اعضای‌شان دستگیر شدند.

چریک‌های فدایی خلق، که از به هم پیوستن دو گروه رفقا بیژن جزنی - ضیاطرفی، .... - امیرپرویز پویان، ... بنیان نهاده شد، تنها نیرویی از این طیف بود که توانست ادامه کاری را تضمین نموده و افراد و محافل چپ طرفدار مبارزه مسلحانه - چریکی را پیرامون خود گرد آورد.

گروه رفقا بیژن جزنی - حسن ضیاطرفی، عمدتاً از افرادی تشکیل شده بود که در دهه 40 - 39 شرکت فعالی داشته، در مبارزه عملی خود با حزب توده ایران مرزبندی نموده و از آگاهی مارکسیستی لازم برخوردار بودند. ترکیب گروه دوم در مقایسه با گروه اول، از تجربه عملی کمتری برخوردار بوده و برخی از اعضای آن، سابقه فعالیت در جبهه ملی در سال‌های چهل را با خود داشتند. تجربه انقلاب کوبا و مبارزات چریکی در آمریکای لاتین، جایگاه ویژه‌ای را میان این رفقا به خود اختصاص داده " مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک " و چند نوشتار دیگر بنیان فکری این گروه را تشکیل می‌شد.

این دو گروه، نه بر پایه وحدت نظری و گذار از یک پروسه تجانس و رو در رو، بلکه در درجه نخست بر اساس اصل پیشبرد مبارزه مسلحانه - چریکی به یکدیگر نزدیک شده و مبارزه ای را آغاز کردند. ها در تحلیل ساخت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و نتایج فرم‌های دهه چهل، برافرادن مناسبات فئودالی و مسلط شدن روابط سرمایه و ارزیابی از تحولات فردای ایران که آن را انقلابی دموکراتیک با مضمون ضد امپریالیستی می‌دیدند به پروسه وحدت در عمل آن‌ها شکل معینی داد.

آن ها را از هم متمایز می . علیرغم فقدان مرزبندی صریح و روشن نظری، در طیف اکثریت گرایش رفرمیستی و در طیف اقلیت گرایش سکتاریستی غالب بود.

انشعاب نه اکثریت و نه اقلیت را از بحران نجات نداد. پس از انشعاب، اکثریت هم چنان دست به گریبان بحران درونی بود و چند ماه بعد انشعاب دیگری در این سازمان رخ داد و رهبری اکثریت گام به گام خط حزب توده ایران را در تشکیلات جا

انداخته و زمینه پیوستن به حزب را فراهم می کرد، ولی کادرها و پایه های تشکیلاتی در برابر آن مقاومت می .

چرخش تدریجی و گام به گام رهبری اکثریت در دفاع از جمهوری اسلامی و تلاش این رهبری برای فراهم آوردن زمینه

تشکیلات را تداوم و به انشعابی دیگر منجر گردید. بطوریکه در آذرماه 60 انشعابی دیگر در تشکیلات تهران و کمیته های ایالتی سازمان اکثریت صورت گرفت و نتیجه آن تشکیل "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرو بیانیه 16 "

سازمان اکثریت در اولین کنگره خود در مردادماه 1369 سیاست پشتیبانی از جمهوری اسلامی و نزدیکی به حزب توه ایران را به این شرح نقد کرد: (1)

1- کنگره برنامه سازمان در راه شکوفایی جمهوری اسلامی را به جهت تقابل آن با دموکراسی، پیشرفت و تجدد، بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی می کند. این سیاست و برنامه

محصول بینشی بود که جهان را به دو جبهه تقسیم می کرد و با توجه به ضدامپریالیسم ارتجاعی رژیم

خیمینی که آن زمان این گونه تصور نمی شد ادامه حیات آن را به سود مردم ایران، به سود یک جبهه و بطور

مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می کرد. در تدوین این مشی به منافع و نیازهای عاجل مردم ایران توجه

. بی اعتنایی به دموکراسی و عدم شناخت دستگاه روحانیت، از جمله عوامل موثر در شکل گیری این

سیاست و برنامه بود. سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی به سود رژیم و بر ضد منافع ملت ایران بود. این

مشی ضربات بسیار سختی بر اعتبار جنبش فدایی، جنبش دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران بویژه خلق

کرد و ترکمن وارد ساخت و موجب اتخاذ سیاست ستیزه جویانه و خصمانه نسبت به سایر نیروها و فعالین جنبش

. کنگره این سیاست را محکوم می کند و مسئولیت اصلی آن را متوجه رهبران وقت سازمان می .

2- سیاست وحدت با حزب توده که در روند خود به سیاست ادغام سازمان در حزب منجر می

استقلال سازمان بود و به اعتبار جنبش فدایی ضربات . این سیاست یکی از عوامل موثر در

جدایی بخشی از فعالین جنبش فدایی از سازمان محسوب می . کنگره کمیته مرکزی سابق را مسئول

اصلی این خطای بزرگ می شناسد و بر آن است که بخشی از کادرهای موثر سازمان نیز در دوره های معین

در تسریع این روند موثر بوده . کنگره گرایش در رهبری را که تا سالها بعد مصرانه بر صحت سیاست

وحدت با حزب توده پافشاری کرد، منفی ارزیابی می کند."

تحولات پس از سی 1360، حاکم شدن قطعی دیکتاتوری و خفقان شدید در جامعه، دستگیری و اعدام های گسترده، افت چشمگیر مبارزات توده ای و آغاز عملیات مسلحانه گسترده

مجاهدین، تمایلات آتارشیستی و چپ روانه را در طیف سازمان اقلیت نیز تقویت کرد و اختلافات درونی آن را حدت بخشید. بخشی از رفقای اقلیت که تاکتیک های تدافعی و

نشینی را مطرح می کردند و با تبلیغ مسلحانه و سازماندهی جوخه های رزمی به صورت یک وظیفه مبرم مخالف بودند، از اقلیت کناره گیری کرده و "سازمان آزادی کار ایران - فدایی"

- تشکیلاتی در درون رهبری اقلیت منجر به انشعابات متعددی در سال 1364 در این سازمان شد. "سازمان چریک های فدایی خلق ایران - شورای عالی"

1368، طی پروسه وحدت میان سازمان آزادی کار ایران - فدایی و سازمان فدائیان

در واقع تعداد رفقای که نقش موثر و تعیین کننده ای در تصمیم گیری ها داشتند حتی به یک هزارم نیروهای فدایی نیز نمی رسید.

خصوصیات جریان فدایی پس از بهمن ماه، بیش از آن که با یک سازمان کمونیستی گسترده خوانایی داشته باشد با ویژگیهای یک جبهه چپ برای دفاع از دموکراسی انقلابی تطابق

. سازمان فدایی فاقد هویت نظری مشخص بود و در چارچوب عمومی آن گرایشات مختلفی می توانستند جای بگیرند.

پلافرم سازمان در آستانه انقلاب بهمن که مضمون اصلی بار با امپریالیسم، مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ، انحلال ارتش و پلیس و ارگان

امنیتی، تسلیح توده ها و تشکیل ارتش خلق، گسترش شوراها، تامین آزادی های سیاسی، حق آزادی بیان و قلم، و تحزب و تشکیل سازمان

ای، اصلاحات ارضی دموکراتیک و دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم ایران بود، نتوانست به هویت یابی کل سازمان بیانجامد.

این خط مشی عمومی که مبارزه برای تعمیق انقلاب و حفظ دموکراسی و دستاوردهای انقلاب را با اتکاء به مبارزه انقلابی توده ها و طبقه کارگر از پایین مدنظر داشت، با وجود دفاع از

مبارزات انقلابی و اقدامات مستقل توده ای در سراسر ایران و شرکت در آن ها، قادر نبود که امر هدایت صحیح مبارزات توده ها را سازمان دهی کند. همین امر باعث شد که سازمان فدایی در

اوج قدرت و شکوفایی خود با بحران مواجه گردد و اولین نشانه های تفرق و جدایی در اواخر سال 57

58 از سوی رفقای که معتقد به ادامه مشی مبارزه مسلحانه و چریکی بودند، ظهور کند. چریک

فدایی خلق ایران که با نام "گروه اشرف دهقانی" مشخص می شدند، اولین محصول این بحران بود.

در همین سال چگونگی برخورد با مشی چریکی و تحلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی حاکمیت جدید عمده گردید.

بحث اول، اکثریت رهبری و اغلب رفقا، مشی چریکی را بطور کامل رد و گذشته را آتارشیستی ارزیابی نمودند،

اقلیت قابل توجهی ضمن رد نقش محوری مبارزه مسلحانه در گذشته، تاکتیک های مسلحانه را در کنار تاکتیک های سیاسی ضروری دانسته و مشی چریکی را

انحراف آتارشیستی و چپ روی ارزیابی میکردند. بسیار محدودی از رفقا نیز همچنان از نقش محوری

(نظر رفیق بیژن)

می .

حول مسئله حاکمیت در اوایل سال 58، تحلیل مختصری درباره ترکیب طبقاتی حاکمیت جدید و

ماهیت آن در سازمان تهیه شد که مورد پذیرش اکثریت رفقا قرار گرفت و تا مقطع اشغال سفارت آمریکا، خط

حرکتی سازمان بر آن استوار بود. این تحلیل، حاکمیت های فوقانی خرده بورژوازی با

بورژوازی متوسط دانسته و ماهیت آن را ضدانقلابی ارزیابی می کرد.

با لشکرکشی و یورش ارتجاع حاکم برای سرکوب جنبش دموکراتیک در کردستان و ترکمن صحرا، تهاجم

های سیاسی، اشغال ستادهای سازمان در تهران و شهرستان افتادن کتاب سوزان توسط فالانژها، ترور فعالین سیاسی در برخی از شهرها و ...

با تغییر و تحولات سیاسی در سطح جامعه و به دنبال اشغال سفارت آمریکا، تمایلات راست در گرایش اکثریت رهبری تقویت شد و به صورت چرخش در موضع گیری نسبت به حکومت

در راستای پشتیبانی از آن متجلی گردید. این چرخش به تدریج رها کردن خط مشی دفاع از دموکراسی انقلابی را به همراه داشت. با تکامل گرایش اکثریت رهبری سازمان در این راستا،

اختلافات و شکاف عمیق سیاسی در سازمان فدایی بوجود آمد که در روند خود به انشعابی "اکثریت - اقلیت" منجر گردید.

متأسفانه، نه اقلیت و نه اکثریت، هیچ کدام در مقطع انشعاب دارای هویت و مبانی نظری مشخصی نبودند و صرفاً چند موضع گیری و خط مشی کلی سیاسی در قبال جمهوری اسلامی،



جنبش فدایی غلبه نماییم.

**ما معتقدیم،** جنبش فدایی علیرغم تمام ضعف‌های اشاره شده، همچنان رکن تعیین کننده جنبش چپ کشورمان بشمار می‌آید؛ اتحاد و همکاری طیف های فدائی می تواند تأثیری بسزا و تعیین کننده در شکل گیری اتحاد چپ کشورمان بجای گذارد.

**ما معتقدیم،** تنوع فکری چپ نه تنها بازدارنده نیست، بلکه موجب پویایی و شکوفایی آن نیز گیری از بینش مارکسیستی در برخورد با پدیده های اجتماعی و تحلیل ماتریالیستی از پدیده ها، در پی ایجاد تحولات بالنده اجتماعی است. در جریان این تحولات مداخله آگاهانه انسان را شرط لازم و البته نه کافی، برای گام برداشتن در راستای تکامل اجتماعی می . به همین دلیل خواهان مداخله ی موثر نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی در مبارزات سیاسی - اجتماعی و تحولات جوامع انسانی می .

**ما معتقدیم،** سوسیالیسم نظامی اجتماعی و آلترناتیوی بالقوه برای نظام سرمایه داری می و برقراری آن استراتژی هر نیروی سیاسی چپ است. تأکید صرف بر نظام ارزشی بودن سوسیالیسم و موکول کردن تحقق آن به فردائی آرمانی و موهوم، مانع عمده در راه برقراری ای مستقل، آزاد، مبتنی بر عدالت اجتماعی و رهایی انسان از یوغ بردگی نظام سرمایه داری و طبقاتی می . مدافعی این نظر که سوسیالیسم صرفاً نظامی است ارزشی و آرمانی، در زمره چپ‌های مرددی قرار دارند که در اردوی چپ، متحدین ثابت قدم و قابل اتکائی به شمار نمی آیند؛ هرچند می توانند متحدین ارزشمندی برای چپ در مبارزات دموکراتیک

**ما معتقدیم،** نیاز مبرم جامعه ایران به دگرگونی های اساسی، ضرورت وحدت گسترده چپ را اقتضاء می کند. این اتحاد در تقابل با اتحاد دموکراتیک نبوده، بلکه تلاشی در راستای دموکراتیزه و رادیکالیزه کردن جنبش دموکراسی خواهی جاری در جامعه ایران است.

**ما معتقدیم،** اتحاد چپ می تواند هسته اتحاد گسترده دمکراتیک در کشورمان باشد. نیروهای های چپ و انسجام تشکیلاتی خود وارد تعامل و همکاری با سایر نیروها برای ایجاد اتحاد دمکراتیک شوند، یقیناً نخواهند توانست حرکت و برنامه چپ، ناگزیر از شرکت با برنامه و آماج های مستقل خود در اتحاد

دمکراتیک می .

**ما معتقدیم،** وحدت سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت و اتحاد فدائیان خلق ایران، علیرغم وجود گرایشات راست در بخشی از رهبران فعلی سازمان اکثریت و رادیکالیسم پررنگ در بخشهایی از تشکیلات اتحاد فدائیان خلق، در خدمت و در راستای وحدت چپ می . ما این دو سازمان را نزدیکترین نیروهای جنبش فدائیان خلق و جنبش چپ ایران به یکدیگر می شناسیم. این دو سازمان با تحقق وحدت برنامه ای و سازمانی خود، می توانند با دعوت از سایر جریانات چپ برای پیوستن به این اتحاد، موجب وحدت و یکپارچگی نیروهای چپ کشورمان نیز گردند. متأسفانه تلاش های باز دارنده ای هم از جانب کسانی که جایگاه شان با عملی شدن فرایند اتحاد به مخاطره می افتد، در جریان است. ما ضمن محکوم نمودن رفتارهای مخرب و ناصدقانه آنان، تمامی رفقای فدائی در دو سازمان مزبور را برای تسریع فرایند وحدت به تلاشی مضاعف فرا می خوانیم.

"جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت(داخل کشور)"

همگرایی عملی فدائیان خلق در مبارزه توأمان علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم، در گام نخست تمامی اعضا و هواداران سازمان های فدائی را فرا می خوانیم، تا جشن چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل و تولد جنبش فدائیان خلق را بصورت مشترک در داخل و خارج از کشور برگزار نموده و یا مراسم خود را با دعوت از دیگر طیف های فدائی برگزار کنند. برگزاری مشترک این جشن، می تواند بزرگداشت چهاردهه مبارزه و از خودگذشتگی فدائیان خلق از 19 تا 1349 تاکنون قلمداد شود. جشنی که شایسته است، به شکلی گسترده و فراگیر و در خور نام فدائیان خلق برگزار گردیده و زمینه های همگرایی و همدلی فدائیان خلق را به سهم خود فراهم سازد.

خجسته باد چهلمین سالروز حماسه سیاهکل

گرامی باد یاد و خاطره شهدای خلق

برقرار باد اتحاد جنبش فدائیان خلق و اتحاد گسترده نیروهای چپ کشور

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

1389/11/14

خلق ایران، "سازمان فدایی - ایران" به وجود آمد و با وحدت میان این سازمان و سازمان چریک های فدایی خلق ایران - شورای عالی، در فروردین 1373 "سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران" بنیان نهاده شد.

های بعد نیز افراد و گروه های کوچک از سازمان اقلیت منشعب و نحت عناوین مختلف به فعالیت سیاسی پرداختند که از آن جمله می "اتحاد فدائیان کمونیست" "هسته اقلیت" اشاره کرد.

\*\*\*

جنبش فدایی با پیروزی انقلاب بهمن 57 به جنبشی فراگیر و توده ای فرا روید. جنبشی که سراسر کشورمان را در نوردید و در اندک زمانی در تمامی شهرها و روستاها، در کارخانه و ... اثر انقلابی و عدالت طلبانه خود را بجای قدرت و توان بسیج گر فدائیان موجب گردید که در معادلات سیاسی از این جنبش بعنوان یکی از نیروهای موثر و حتی تعیین کننده نام برده شود.

متأسفانه سیر تحولات، همراه با عواملی متعدد که پیش تر گفته شد، دست به دست هم داد، تا در شرایط جدید سیاسی کشور این روند رو به گسترش، به تجزیه و ضعف گراید. در این میان سیاست های سرکوبگرانه و ددمنشانه رژیم ضد مردمی تازه پا گرفته نیز، این پراکندگی و تجزیه را تشدید نمود.

تفرق و جدایی فکری و تشکیلاتی در شرایط امروزی نیز، بر جنبش فدایی حاکم است. های فکری و سیاسی توأم با سوء تفاهمات و بدگمانی ها از یک سو و رفتار و عملکرد

برخی از طیف های فدائی تحت تاثیر سمومات نئولیبرالیسم و تئوری پردازان جهان سرمایه از سوی دیگر، بر خلاف خاستگاه فکری و انقلابی این جنبش مردمی و توده ای حرکت می کند.

با این حال به جرأت می توان گفت که جنبش فدایی علیرغم تجزیه و تفرق، هنوز هم اعتبار های زحمتکش میهنمان حفظ کرده و بعنوان بزرگترین نیروی

جنبش چپ ایران، از توان تاثیرگذاری انکارناپذیری در روند تحولات سیاسی کشور برخوردار . صداقت انقلابی، رزم فداکارانه، تعهد و وفاداری به آرمانهای زحمتکشان و یاد و خاطره

جانابزهای فدائیان خلق، از حافظه ی تاریخی مردم کشورمان زدودنی نیست. این جنبش، همچون آتشی زیر خاکستر توان سر بر آوردن و شعله

علیرغم این ظرفیت، در شرایط امروزی فضای سیاسی کشورمان، تشمت و تفرقه در بین نیروهای سیاسی و فقدان کار تشکیلاتی و سازمانی جدی و هدفمند نیروهای چپ در داخل

کشور، خیال رژیم حاکم و اصلاح طلبان دینی درون حکومتی و مدافعی و امیدواران تغییر رفتار نظام ولایت فقیهی را از بابت یک آلترناتیو رادیکال و انقلابی راحت کرده است. در چنین

شرایطی اگر نیروهای چپ و انقلابی نتوانند و یا نخواهند به انسجام و اتحاد نیروهای متفرق های مشخص اقدام کنند، کسان دیگری که دل در گرو منویات جمهوری

اسلامی تعدیل شده! های دمکراسی خواهی نئولیبرالیسم جهانی دارند، میوه چینان جنبش مردم ایران خواهند بود.

ما با آگاهی بر اینکه هیچ یک از احزاب و سازمان های سیاسی چپ ایران به تهائی قادر به های دمکراتیک و طبقاتی مردم ایران و زحمتکشان کشورمان نمی

درک وضعیت حاد کنونی و بحران آفرینی های جمهوری اسلامی و آلترناتیو سازی رنگارنگ داخلی و بیرونی مدافع بقای نظام جمهوری اسلامی تعدیل شده! شکل گیری اتحادی پویا و موثر در بین نیروهای چپ کشورمان و جنبش فدائیان خلق ایران را در جهت تحقق اهداف و های مورد توافق لازم و ضروری می دانیم.

**ما معتقدیم،** در موقعیت حساس کنونی کشورمان، وحدت عمل نیروهای چپ و بویژه اتحاد طیف های مختلف جنبش فدایی بر بستر اشتراکات سیاسی و برنامه ای قابل قبول، به ضرورتی انکار ناپذیر و عاجل میل شده است. در این آوردگاه اجتماعی اگر نیروهای چپ و بویژه طیف های مختلف جنبش فدایی نتوانند به همگرایی عملی در صحنه سیاسی کشور اقدام کرده و از تمامی توان خود در پیکار توأمان علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم استفاده نمایند، در انجام وظیفه خطیر و تاریخی خود کوتاهی کرده .

**ما معتقدیم،** زمینه های تاریخی، سازمانی، فکری و روانی این وحدت عمل سیاسی و برنامه تا حصول به وحدت سازمانی در بین بیشترین بخش طیف های فدایی وجود دارد. در این راستا، بی آنکه بخواهیم اختلافات فکری موجود را نادیده بگیریم، با سیاست تأکید بر مشترکات و دوری از تعمیق اختلافات، می توانیم بر تشمت و پراکندگی فکری و سازمانی موجود در درون

# خجسته باد چهلمین سالروز حماسه سیاهکل



## در چهلمین سال رستاخیز سياهکل

نوزدهم بهمن ماه امسال، چهل سال از اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می گذارد. اعلام موجودیتی حماسی، پرشور و غرورانگیز، که طنین خروش آن سکوت "جزیره آرامش پهلوی" را، فضای پلیسی حاکم بر جامعه ایران را بر هم زد و پایه های استبداد سلطنتی، این رژیم دیکتاتوری سرسپرده و دست نشانده امپریالیستهای انگلوساکسون را

1349 قهرمانان فدائی، دلاوران از جان گذشته، با حمله مسلحانه به پاسگاه ژاندارمری سياهکل در شمال ایران آغاز فعالیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را به بهای جان عزیز خویش اعلام و رسمیت بخشیدند.

اگر چه در طول چهل سال گذشته، مطالب بسیار ارزشمندی راجع به قهرمانیها و فداکاریهای فدائیان راستین خلق نوشته شده است اما، اغلب نوشتارها و توصیفات بغایت شایسته از مجد و عظمت انسانی آن فدائیان که سر در راه آزادی و استقلال ایران، در راه عزت و شرافت مردم میهن فدا کردند، این نکته فوق العاده با اهمیت را که چرا فدائیان برخلاف تمام احزاب و سازمانهای سیاسی، پیش از تدوین برنامه و اساسنامه تشکیلاتی دست به چنین اقدام قهرمانانه زدند، مورد توجه کافی قرار نداده است.

قبل از پرداختن به این موضوع، لازم به یادآوریست که اولین لازمه بررسی و برخورد درست به هر پدیده ای از هر نوع، بخصوص اگر یک تشکیلات انقلابی باشد، نام بردن دقیق و اینکه در طول مخصوص سه دهه اخیر از سازمان چریکهای فدائی

**خلق ایران** به هر دلیلی با عنوان "جنبش فدائی" نام برده می شود و بسیاریها از کاربرد نام اصلی آن سازمان، آنگونه که بنیانگذارانش نامیدند آکراه دارند، نمی تواند تغییری در ماهیت فدائیان، وظیفه و هدفی که آنها برای حرکت خویش تعیین کردند، بدهد. کما اینکه تغییر نام احزاب و سازمانهای سیاسی در روند تکوین و تکامل آنها، نه ناپسند است و نه جزء اتفاقات نادر. منتها، این مسئله وقتی که منجر به نفی و زیر پا گذاشتن اصول بنیادین اعتقادی، هدف استراتژیک و آرمانهای بنیانگذاران یک تشکیلات بالنده و پویا می شود، مشکل ایجاد می کند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، که با اعتقاد به عدالت اجتماعی و نظریه جهانشمول و رهائی بخش مارکسیسم-لنینیسم با به عرصه وجود و فعالیت گذاشت، در شرایط خفقان پلیسی حاکم آن دوره، اساساً نه به فکر کسب قدرت سیاسی بود و نه در پی ساختن سریع جامعه سوسیالیستی. بنیانگذاران این سازمان را نه حرص قدرت طلبی وسوسه کرده بود و نه در پی شهرت و جاه بودند. آنها، این اسطوره های مبارزه و از خودگشتگی، باورمندان به رهائی خلق و فدائیان آن، از یگانه دارائی خود، از هستی عزیز خویش مایه گذاشتند و طبق نیازها و مقتضیات آن سالهای دهشت و خوف، در سحرگاه نوزدهم بهمن ماه، شیپور بیدارباش برای مردم ایران نواختند و فرمان برخیز که دیگر چنین نتوان زیست برخیز که دفاع از آزادی و استقلال میهن، شرافت و کرامت انسانی خود حق این همان نقطه کلیدی و شایان توجه در بنیانگذاری سازمان بود.

که در واقعیت امر، یک هدف روشن و یک وظیفه مشخص برای برون رفت از شرایط موجود، شرایطی که خلقهای ایران در چنبره نیروهای امنیتی امپریالیسم امریکا و انگلیس و رژیم نواستعماری ایران محبوس و گرفتار آمده بودند، پیشنهاد می کرد. نباید مرتکب این اشتباه شد و تصور کرد که آن دو گروه چریکی شهر و کوه بدون توجه و آگاهی به فرجام زندگی خویش و نتیجه اقدام بزرگشان در چنین راه خطرناکی پای گذاشتند. این اقدام دلیرانه آنها بمثابة یک تاکتیک در مبارزه، دقیقاً منبعث از همان درس جاودانه و جهانشمول نلین بود که مهمترین وظیفه تشکیلات طرفدار سوسیالیسم علمی و هر انسان پیکارگر در راه آزادی و عدالت را قبل از تنظیم برنامه بر مطراق و حتی جامع و جدی، بیدار کردن انسان، انسانهای کار و زحمت، انسان تولید کننده ارزش و بطور کلی مردم تحت ستم و استثمار و به تبع آن، سازماندهی بیدارشدگان برای مبارزات پیش رو بود. هر تحلیل و بررسی از چرایی و چگونگی اعلام موجودیت فدائیان و تاریخچه فعالیت آن، اگر این واقعیت مهم را نادیده بگیرد، اگر به این خصلت و ویژگی فدائیان، و به انگیزه و محرک آنها در بنیانگذاری سازمان توجه نداشته باشد، قطعاً در ارزیابیهای خود به نتیجه گیری درست و واقعی دست نخواهد یافت و آن عمل

قهرمانانه را یک ماجراجویی و اراده گرایی خواهد نامید.

عزت و عظمت بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و آغازگران راه فدائی زمانی بیشتر نمودار خواهد شد که تحقیقات و بررسیها از عمل شجاعانه و کارنامه فعالیت آنها بتواند نشان دهد که آیا بنیانگذاران سازمان وظیفه تعیین شده را بدرستی به انجام رسانیده و به هدف تعیین شده دست یافتند یا نه؟ آیا آنها شراره هائی بودند که به آتش خرمن سوز رژیم استبدادی و اربابان ماورای بحارش تبدیل شدند یا نه؟ آیا توانستند قدرقدرتی امپریالیسم جهانی و رژیم پلیسی تحت فرمان آن را به سخره بگیرند یا نه؟

این واقعیت که برغم کشتار دیوانه وار و از میان بردن بی امان بیش از سیصد نفر از بنیانگذاران و نسل اول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، این سازمان به حیات و فعالیت خود ادامه داد، رشد یافت و در طول کمتر از یک دهه، به تشکیلات توده ای، فراگیر و افتخار ملی تبدیل گردید، حکایت از آن دارد که چریکها نه در تعیین هدف خطا کردند و نه در انجام وظیفه کوتاهی. و این یعنی، دستیابی به هدف تعیین شده، یعنی پیروزی قطعی.

معلوم است که تاریخ چهار دهه موجودیت فدائیان با فراز شکوهمند و فرود سخت همراه بوده و دو دوره کاملاً متمایز و متفاوت از هم را تشکیل می دهد. 49 59

دوره ای بود که فدائیان به سمبل و نماد مبارزه و مقاومت، به اسطوره های قهرمانی و پایمردی، صداقت و ایمان تبدیل شدند. این دوره، دوره صعود و عروج به جایگاه یک تشکیلات سراسری مقتدر بود که سهم و نقش قابل تقدیری در روند تمام حوادث کشور داشت و این یک پیروزی بزرگ و مهمترین نشانه انجام وظیفه برای رسیدن به هدف تعیین شده محسوب می شود. پیروزی انقلاب به سرقت رفته مردم ایران در بهمن ماه سال 57، قطعاً بدون در هم شکستن مقاومت مسلحانه ضدانقلاب مسیر نمی شد و این پیروزی درست در آخرین روزهای حیات رژیم سلطنتی که ملایان در پشت درهای بسته بر سر چگونگی سرقت انقلاب با ژنرالهای آمریکائی و رژیم شاه به چانه زنی مشغول بودند، بدون عکس العمل و اقدام قهرمانانه چریکهای فدائی ممکن نبود. این دوره، دوره توسعه و صعود جنبشهای انقلابی، از جمله سازمان فدائی در ایران . در این دوره، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به بزرگترین و تأثیرگذارترین نیروی چپ در داخل کشور و حتی منطقه تبدیل شد و از پشتیبانی و احترام عمیقاً مردمی برخوردار گردید. بطوریکه نام فدائی در دورافتاده ترین نقاط کشور شنیده می شد و حتی هیچ کوره دهی نبود که در آن عده ای خود را هواداران سازمان اعلام نکنند. در دوره ده ساله اول موجودیت، فدائیان در کارخانه و مزرعه، در هر شهر و ده و در همه جا و در تمام مراحل مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه در پیشاپیش مردم بودند. فدائیان برای استیفای حقوق کارگران و دهقانان، برای برقراری حقوق ملی خلقهای کشور، در کردستان و آذربایجان، در ترکمن صحرا و خوزستان، در بلوچستان و مازندران، در گیلان و لرستان و در هر گوشه دیگر میهن که از ستم مضاعف رنج





می بردند مبارزه می کردند و بطور کلی هر جا که ستم بر مردم روا می شد، در کنار آنها و فعالیت فدائیان در این دوره، صحت و حقانیت فدائیان را در تعیین هدف و انجام وظایف مقدس انسانی نشان می دهد و این، همان دستاورد بزرگ و ارجمندترین پیروزی این دوره، دوره توسعه و صعود جنبشهای انقلابی در ایران بود.

دوره دوم و طولانی ترین دوره تاریخ فدائی، دوره فرود ملال انگیز آن است که هنوز هم فعالیت فدائیان در جهت سازماندهی توده های بیدار شده در سالهای آخر دهه اول، متأسفانه با اولین انشعاب و انشعاق بزرگ در سازمان چریکهای فدائی در سال 1359 . تشتت فکری شدید، چهار انشعاب بزرگ، تفرقه و ریزش دائمی نیروهای فدائی مشخصه اصلی این دوره بشمار می رود. لازم به ذکر است که، عوامل عینی و ذهنی، خارجی و داخلی متعددی نقش اصلی را در هر دو دوره از حیات فدائیان بازی کردند از میان آنها، می توان به کشتار و قلع و قمع بی امان نسلهای اول فدائی و به تبع آن، ضعف شدید سیاسی- نظری و سطح نازل درک از مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم علمی، نفوذ و تأثیرگذاری گسترده افکار و نظریات بورژوازی و خرده بورژوازی در تشکیلات فدائی، شکست سخت اردوگاه جهانی " " با ارتجاع امپریالیستی و استعمارنو، تغییر و تحول سریع اوضاع هم در بعد ملی و هم در مقیاس جهانی، تداوم تعقیب و کشتار بی امان فدائیان و جدا کردن آنها از توده ها اشاره کرد.

رشد روزافزون اعتبار و حرمت نام فدائی در میان مردم، بخصوص در سالهای آخر دهه اول بعدی بود که از یک سو، زمینه پیوستن حسابگرانه انبوه فرصت طلبان را بدان فراهم آورد و از سوی دیگر، موجب برانگیختن کینه و نفرت رژیم جدید ملایان گردید که کار ناتمام رژیم شاه در قلع و قمع فدائیان را با شدت و حدت بیشتری ادامه داد و این دو، بمثابه دو عامل درونی و بیرونی، همان مصیبتی بودند که کشتی عظیم سازمان فدائی را به گل نشاندند. خوشبختانه در طول سالهای اخیر روحیه همگرایی و وحدت در میان طیفهای مختلف فدائی روز بروز در حال رشد است. امروز در میان بسیاری از طیفهای فدائی و فدائیان رانده شده تمایلات شدید اتحاد و بازیابی اعتبار و عظمت گذشته فدائیان، بازگشت به تاریخ و میراث مشترک، به اهداف و آرمانهای آزادخوانه و عدالتجویانه بنیانگذاران فدائی منطبق با شرایط امروزی و شیوه های معاصر مبارزه برای رسیدن آمل و اهداف نهائی بخصوص در داخل کشور مشاهده می شود. اگر چنانچه روند احیای جنبش فدائی مسیر طبیعی و قانونمند تکاملی خود را طی کند، اتحاد و تجمع مجدد فدائیان در قالب اتحاد چپ، اتحادی که مبارزات مردم را حول مطالبات اساسی، بر علیه استبداد ولایت فقیهی و در جهت برقراری حاکمیت خلق بر میهن و سرنوشت کشور سازماندهی و رهبری نماید، چندان دور از ذهن بنظر نمی رسد.

البته وقتی که از طیفهای مختلف فدائی، از میراثداران جنبش فدائی صحبت می شود، نباید فراموش کرد میراثداران فدائی فقط طیفها و جریاناتی محسوب می شوند که از تاریخ مشترک، اهداف و آرمانها، اعتقاد بنیانگذاران سازمان فدائی به سوسیالیسم علمی و رهائی انسان از قید استثمار و بردگی سرمایه در نظر است. طبیعتاً این فرمول بندی شامل آن اشخاص و جریاناتی که از اعتقاد به سوسیالیسم علمی و جهان بینی مارکسیسم- لنینیسم عدول کرده، افکار و اندیشه های بورژوازی را راهنمای عمل خود قرار داده اند، نمی شود.

بریدگان از جنبش فدائی که مسیری همسو با جریانات وابسته به سرمایه داری را برگزیده و فقط با سوءاستفاده از اعتبار و نام فدائی، از قهرمانیها و فداکاریهای فدائیان و از تاریخ درخشان آن، با بهره گیری اشکال و شیوه های مختلف بورژوازی بدفاع از منافع نامشروع استثمارگران برخاسته و با تبلیغ و ترویج اهداف و ایده های سرمایه داری، به روی حقیقت، حقانیت و ارزشهای مبارزاتی فدائی تیغ می کشند، هویت سیمای انقلابی آن را مخدوش می سازند، طبیعتاً نمی توانند در میان میراثداران فدائیان جای گیرند.

در شرایط امروزی، دیگر با اطمینان کامل می توان گفت که در صورت ترسیم خط تمایز واضح و روشن مابین طیفها و شخصیتهای مختلف فدائی معتقد به باورها و هدف استراتژیک فدائیان با فرصت طلبان، خارج شدگان از راه و رسم فدائی و سوءاستفاده گندگان از حیث سیاسی، اعتقادی و انسانی فدائی، به اتحاد وارثان فدائیان نائل آمد.

**گرامی باد یاد و نام بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!  
خجسته باد خاطره عملیات بیدارگرانه سیاهکل!  
پیش بسوی اتحاد مجدد فدائیان!**

دربافتی از طریق امیل



**شهدای  
سیاهکل**

هوشنگ نبوی    اسکندر رحیمی مسچی    ناصر سیف دلیل صفی    شعاع الدین مشیدی    هادی بنده خدا لتگرودی    احمد فرهودی    علی نصر صفی فراحتی  
غفور حسن پور اصیل    مهدی اسحقلی    محمد هادی فضللی    محمد رحیم سمیعی    عباس نژاد بهزادی    جلیل انفرادی    اسماعیل معینی عراقی    محمدعلی محدث قنجهی

## موقعیت و نقش زنان در جنبش فدائی

شرکت زنان در جنبش فدائی را می توان در ابراز ناراضی زنان تحصیل کرده ی طبقه متوسط نسبت به سیاست های شاه و دیکتاتوری حاکم و همچنین در مخالفت با فرهنگ سنت گرا جستجو کرد. اگر چه مردان فدائی از جایگاه های طبقاتی گوناگونی اکثریت زنان فدائی را طبقه متوسط و تحصیل کرده، دانشجویان و معلمان و حتی دانش آموزان تشکیل می دادند.

موانع و مشکلات بسیاری مانع از روی آوردن بخش اعظم زنان به کارهای سیاسی می گردید. بزرگترین آنها مانع فرهنگی بود، که ریشه در بطن جامعه و در آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی و خانوادگی داشت. دیکتاتوری شاه و اختناق ناشی از آن حاکمیت، امکان شکل گیری هیچ نهاد دمکراتیک و مستقلی را برای زنان نمیداد و تمامی نهادهای موجود بخشی از حاکمیت بشمار می آمدند. یونیزه شدن جامعه موجب گردیده بود که در آن سالها و در آن شرایط پیوستن زنان به جنبش مسلحانه و بخصوص جنبش فدائیان نه برای تأمین حقوق زنان، بلکه با هدف مبارزه سیاسی علیه نظام مستبد و دیکتاتوری حاکم البته با تمسک به مجموعه ای از نظرات ایدئولوژیک باشد.

برای فدائیان خلق، این شیفتگان راه آزادی و پیکارگران سعادت کارگران و زحمتکشان، کار گروهی، عمل به وظایف سازمانی، اشتیاق در پذیرش مسئولیت ها، استقامت تا نهایت توان و تسلیم ناپذیری، هنر مبارزه سیاسی بشمار می آمد.

مبارزه ای و مقاومتی که در آن مرگ به معنای رهائی . در این بین مبارزه زنان فدائی تأثیری عمیق در برانگیختن شور انقلابی در بین فدائیان و دیگر مبارزین برای برچیدن بساط دیکتاتوری شاهنشاهی و تحقق خواسته های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه برجای گذاشت. نقش زنان در سازمان ما مشخصاً تابع شرایط و ویژه گی ای بود که سازمان دنبال می کرد. آن دوران زنان فدائی نقشی کلیدی در حفظ و تطبیق شرایط، تأمین ایمنی و جا به جایی ...

باور به آرمانهای سوسیالیستی، اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم و مبارزه طبقاتی، قبول مبارزه مسلحانه، آماده بودن برای فداکاری در راه خلق و صداقت انقلابی، یگانه معیارهای پذیرفته شد در پذیرش زنان و مردان به جمع فدائیان بشمار می آمدند. معیارهایی که هیچگونه تمایزی را بین زنان و مردان فدائی قائل نمی گردید. زنان در سازمان چریک های فدائی خلق ایران، از حقوقی برابر برخوردار بودند و هیچ زنی در سازمان با تبعیض جنسیتی روبه رو نمی شد. با این همه نقش زنان در سازمان از پارترهای دیگر متأثر می گشت که گاهاً بازدارنده و محدودیت ساز بودند. پارترهایی که سازمان و اعضای مرد آن اساساً نقشی در بوجود آمدن شان نداشتند. عبارتی دیگر رفقای مرد سازمان هرگز تمایلات تبعیض آمیزی از خود نشان نمی دادند و هر محدودیتی الزاماً تحمیلی و ناشی از شرایط فرهنگی و باورهای مذهبی و سنتی جامعه بود.

در تبیین نقش زنان در جنبش فدائی اینکه، از مجموع 243 فدایی جانبخته بین سال های 1349 تا 1357، سی و پنج نفر یا بیش از 15 . صدها فدایی دیگر نیز با سازمان همکاری می کردند و در خانه های تیمی حضور داشتند. هر چند که تعداد آنها قابل مقایسه با تعداد رفقای مرد نبود، اما تعداد کمتر زنان در زندگی مخفی چریکی را نمی منزله نوعی تبعیض تلقی کرد، چرا که کیفیت ها و شایستگی ها از درون جامعه و از شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برمی فدائی همه وظایف محوله را به یکسان برعهده می گرفتند، اما نوع مبارزه به زنان فرصت نمی داد که علیرغم داشتن توانایی های فکری و نظری و سیاسی، نقش بیشتری در رهبری سازمان برعهده گیرند

زنان در طول تمام سالهای حیات جنبش فدائی از قبل انقلاب، در متن سازمان، در زندانها، شکنجه گاهها، در خانه های تیمی، در رهبری و ... در جامعه سنتی و مرد سالار ایران، زنان نقشی اساسی در جنبش فدایی داشتند. نسترن آل آقا، زهت السادات روحی آهنگران و صبا بیژن زاده از جمله زنانی بودند که در مسئولیت ها بالایی انجام وظیفه کردند و



به جمع رهبری سازمان نیز راه یافتند. زهت السادات روحی آهنگران مسئول تیم های آموزشی و عملیاتی بود، صبا بیژن زاده از شاخه مشهد، پس از نابودی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق و بیشتر اعضای شاخه تهران، در بهار سال 1355 نخستین زنی بود که به جمع رهبری سازمان رسید و تا زمان مرگش به سال 1356 آن مسئولیت را داشت.

مرضیه احمدی اسکویی، معلم جوانی بود که به همراه صبا بیژن زاده و صدیقه صرافت به گروه شعاعیان - شایگان پیوست. او اهل قلم بود و ذوق شعر داشت و به همین سبب نقشی مهمی برعهده ای او گذاشته شد. رفیق مرضیه احمدی اسکویی زنی بود، یک پارچه شور و تحرک، که به تنهایی توانست نزدیک به بیست تن را جذب جنبش فدائیان نموده و هسته ای از هواداران فدائی را در تبریز سازمان دهد.

نخستین زنی که به فدائیان پیوست شیرین معاضد بود که در سال 1348 و پیش از شکل گیری چریک های فدائی با حمید اشرف مرتبط شد.

مهرنوش ابراهیمی دانشجوی دانشکده پزشکی و همسر دکتر چنگیز قبادی، نخستین زن فدائی بود که در مرداد 1350 و در درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی کشته شد.

( ) عباس زاده دهقانی هم نخستین زن زندانی سیاسی در تاریخ ایران بود که 1352 از زندان رژیم شاه و از چنگ ساواک بگریزد.

در اواخر حکومت شاه و از سالهای 56 57 به بعد، هر چه به انقلاب نزدیکتر می شدیم و فضای سیاسی بازتر می شد، شور و هیجان مردم برای نزدیک شدن به سازمانهای سیاسی بیشتر می گردید. بواسطه حضور مؤثر فدائیان در مبارزات ضد دیکتاتوری و نقش چشم گیر آنان در مبارزه علیه رژیم شاه، با پیروزی انقلاب سیل عظیمی از توده ها به سوی سازمان چریک های فدایی خلق ایران روان گشت. حضور زنان چریک در مبارزات مسلحانه روزهای انقلاب و در خیابانهای شهر و در میان مردم انقلابی، شوری وصف ناپذیر را موجب گردیده بود که در گرایش نیروهای جوان و خصوصاً زنان، به سازمان اهمیت بسزائی داشت. زنانی که محروم از حداقل رابطه با جامعه بودند، حال به پیشروان و رهبران مبارزات سیاسی تبدیل شدند.

با پیروزی انقلاب پایه ها و ترکیب اجتماعی سازمان تغییر و به سرعت گسترش می یافت. کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان و سایر اقشار اجتماعی با سرعتی غیرقابل تصور به صفوف سازمان می پیوستند. نفوذ و دامنه تأثیر سازمان در میان توده های مردم علیرغم ساختار مذهبی و فرهنگی حاکم بر جامعه و نفوذ دین و روحانیت در بین مردم و محدودیت های فراوان در ارتباط گیری جریان چپ با مردم، به سرعت گسترش می یافت. با این همه آن سالها، دوران اوج روی آوردن زنان به سوی تشکیلات سازمان فدائیان بود. بطوریکه قبل از یورش سراسری رژیم به سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی، نزدیک به 30 تشکیلات را زنان تشکیل می دادند.

در ذیل اسامی سی و پنج تن از زنان و دختران فدائی که در زمان شاه از آغاز جنبش فدائی و حماسه سیاهکل به سال 1349 در زندانها و در درگیریهای خیابانی با عوامل رژیم جان باختند، آمار فوق صرفاً شامل زنانی است که در آن هشت سال کشته شدند.

زن و دختری دیگر که در صفوف سازمان و در فعالیت های سیاسی و انقلابی علیه شاه و در سنگر فدائیان مبارزه می کردند.

- زنان فدائی جانبخته قبل از انقلاب ۵۷ :**
- ۱- مهرنوش ابراهیمی
  - ۲- پوران یدالهی
  - ۳- مهوش جاسمی
  - ۴- مرضیه احمدی اسکویی
  - ۵- شیرین (معاضد) فضیلت کلام
  - ۶- زهت السادات روحی آهنگران
  - ۷- پروین فاطمی
  - ۸- پری ثابت
  - ۹- فاطمه حسن پور اصیل
  - ۱۰- فاطمه (شمسی) نهانی
  - ۱۱- فاطمه آفرینا
  - ۱۲- منیره اشرف زاده کرمانی
  - ۱۳- عزت (صدیقه) غروی (رفیق مادر)
  - ۱۴- لادن آل آقا
  - ۱۵- مهوش حاتمی
  - ۱۶- فریده (فاطمه) غروی
  - ۱۷- میترا بلبل صفت
  - ۱۸- زهرا مدیره شانه چی
  - ۱۹- مینا طالب زاده شوشتری
  - ۲۰- مریم شاهی
  - ۲۱- گلرخ (شهرزاد) مهدوی
  - ۲۲- نسترن آل آقا
  - ۲۳- طاهره خرم
  - ۲۴- فاطمه حسینی
  - ۲۵- افسرالسادات حسینی
  - ۲۶- نادره احمد هاشمی
  - ۲۷- سیمین توکلی
  - ۲۸- اعظم السادات روحی آهنگران
  - ۲۹- زهرا آقایی قلهکی
  - ۳۰- فردوس آقا ابراهیمیان
  - ۳۱- صبا بیژن زاده
  - ۳۲- غزال (پریدخت) آیتی
  - ۳۳- سیمین پنجه شاهی
  - ۳۴- نسرين پنجه شاهی
  - ۳۵- رفعت معماران بنام



دانش به‌روزی، اسکندر رحیمی، به‌روز دهقانی، کاظم سعادت محمد تقی زاده چراغی، علیرضانبذل، کرامت دانشیان و ...  
آموزگاری که برای رهایی کارگران و زحمتکشان از یوغ بندگی و استثمار سرمایه داری و استثمار امپریالیست‌ها، ون خویش در زیر وحشیانه ترین شکنجه‌ها، در پای چوبه‌های دار درگیری‌های خیابانی و در نبردی نابرابر با دشمنی تا بن دندان مسلح، حقانیت خویش را به

19 49 سیاهکل را بلافاصله در اسفند ماه همان سال و در شرایطی

که به طرز وحشیانه‌ای شکنجه کرده بودند، تیربارانشان می‌کنند. غافل از آنکه آن عاشقان شیدا نمرند و نخواهند مرد، زیرا آرمانشان تجسم گر انسانیت بود و بشارت گر رهایی خلق‌ها. "هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق/ ثبت است برچیده عالم دوام ما"

عاشقان واقعی تنها کس‌هایی نیستند که از بهر صنمی زیبایی روی جان و مال خویش هستند عاشقانی دگر که بهر اهدافی والاتر و زیباتر چنین کنند. عاشقانی که برای به‌روزی خلق خویش و برای احقاق حقوق انسانها و رفع ستم از زحمتکشان، شب از روز : "نباشد عشق را کُنج سلامت / خوشا رسوایی کوی

آن عاشقان شریزه کاری کردند کارستان. فدائیان خواهان سعادت اردوی کار و زحمت، در میدان نبرد شراره درخانهٔ ظلم و ستم انداختند. به آن سالهای سیاه و سنگین تعدادی چریک فدائی همچون نارنجکی ضامن کشیده، که لحظه‌ای تا انفجار فاصله نداشتند. بنیان ظلم و ستم هر آنچه در توان داشتند و تا هر کجا که توانستند پیش تاختند. و در این راه جانشان را کمترین بهای پرداخته شده برای آزادی نمودند. چشمه‌ای که هنوز می‌تراود و راهی که همچنان در تداوم است. پس از سالها هنوز هم آن انگیزه‌ها و ارزش‌ها مقدس‌اند. هم فدای جان، از بهر آزادی و عدالت اجتماعی ارزش‌هایی والایند و انسانها آن را نکو می

فداییان خود معلمانی بودند و طریقهٔ فدایی در پی آموزش توده‌ها و جا انداختن ارزش‌هایی گرانبهادر جامعه بود. ارزش‌هایی والا، همچون داشتن شجاعت در شکستن سکوت مطلق، و نسیپاردن دل در گرو هر چیز و هر کسی جز خلق خویش. عاشقانی صادق و رهروانی تا

دریافتی از طریق امیل

خسرو گل‌سرخ

## در زیر پلک خیس جنگل

گل می دهد در زیر پلک های خیس جنگل	در زیر پلک خیس جنگل
در سبزه‌های سبز شمالی ام کوچک	در سبزه‌های جنگل کوچک
یک نام یا صداست	چوپان تنهایی ست
آواره ی غم نشین	که هر غروب در نی
هر عصر می نوازد	فریاد جنگلی‌ها را
آهنگ کهنه را	سرریز می کند
و با صدای نی لبکش آنها	جنگل صدای گمگشتگی ست جنگل
برادرانم	صمیم وحدت ماست
گل های هززه را	و چشم های کوچک
با خون پاک خود	باور نمی کند
تطهیر می کنند	اینک صدای او
	در پیچ و تاب سرد جنگل

## ندای معلم در جنبش سیاهکل

"به یاد فدائیان معلم"

رازی است در سالهای آغازین دههٔ چهل، که درک آن دقت بیشتری را مطالبه می‌کند. اینکه کدامین انگیزه و هدف توانست جوانان پرشور و تحصیل کردهٔ ایرانی را از سر کلاسهای درس و مراکز علمی و دانشگاه، و از محافل روشنفکری به خانه‌های تیمی و درگیری‌های خیابانی بکشاند. به خانه‌هایی آکنده از دلهره و مرگ و خانه‌هایی که موسیقی آن صدای گلوله‌ها و انفجار نارنجک‌ها بود.

در تحلیل آن دوران و در نقد آن جوانان ناپستی از یاد ببریم که آن سالها، سالهای انقلاب . انقلاب چین، انقلاب کوبا، انقلاب ویتنام، کره، آنگولا. و جنگ‌های رهایی بخش خلقهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا. مبارزات سازمان‌های انقلابی ساف، پولیساریو، خلق ظفار، فارابوندو مارتی. عصر انقلاب و امید به تغییرات بنیادین جامعه، امید برای رهایی انسان از تمامی ستم‌های سرمایه داری. خاتمه دادن به اهانت‌هایی که بر انسان روا داشته می‌شد. عصری که حتی "لوترکینگ" صلح طلب و مخالف خشونت نیز دم از انقلاب می‌زد و با همهٔ ایده‌های انسانی و لطیف‌اش به هوای انقلاب نفس می‌کشید.

بخاطر آوریم که پس از جریانات سال 1342 تمامی منفذهای سیاسی جامعه مسدود شده بود و راهی برای گریز از بحران سیاسی حاکم و پی آمدهای شکست جنبش ملی مردم میهنمان در کودتای 28 1332 باقی نمانده بود. حتی در دورترین چشم اندازه‌ها نیز راه مسالمت آمیز و یا توسل به رایزنی‌ها و مشورت‌های سیاسی - هر چند بی‌خاصیت - بچشم نمی‌خورد. گاه گذاری هم در گوشه‌ای از کشور پهناورمان جوانانی و گروه‌هایی دست به حرکتی می‌زدند، فوراً کشف و روانهٔ زندانها و اتاق‌های شکنجه می‌شدند.

بدین گونه بود که مبارزات سیاسی کلاسیک با گره‌ای ناگشودنی مواجه می‌گردید. مقابل و در عرصه‌ی جهانی، تجربه‌ی دیگر خلق‌ها، بستری نوین برای مبارزات انقلابیون گشوده بود. بستری که مبارزان سیاهکل آن را برای دستیابی به اهداف خود برگزیده بودند. محافل مختلفی طی آن سالها حول محور مبارزات مسلحانه چریکی شکل گرفته و اقداماتی را نیز شروع کردند. محفل جزنی - ظریفی و احمدزاده - پویان، که با "سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران"



را بنیان نهادند. نظریه امیر پرویز پویان در رد شکست ناپذیری رژیم و ضعف توده‌ها، در آن سالها و در بین جوانان پرشور و انقلابی کارگر افتاد و خط بطلانی بر آن ایده‌های یأس آلود کشید. قابل انکار نیست که چنان تأثیری ژرف در جامعه و در بین انقلابیون برجای گذاشت که جنبش آزادی خواهی و عدالت طلبی علاوه بر جنبهٔ رادیکالی، شکلی کاملاً پراگماتیستی و منسجم بخود گرفت.

مبارزه علیه ظلم و ستم نظام سلطنتی قبل از سال 1350 مسلحانه این مبارزات شدت یافت. در این مدت چریکها از گوشه و کنار کشورمان با هم ارتباط برقرار نموده و خیلی سریع به وحدت رسیدند. معلمان از جمله اقشار جامعه بودند که در رأس این حرکت‌های انقلابی قرار داشتند. در شکل‌گیری جنبش فدائی معلمان نقش ارزنده‌ای ایفاء . بطوریکه در همان آغاز فدائیان یکی از یاران معلم‌اش را در رودخانه ارس مغروق دید.

مرگ صمد بهرنگی شوک بزرگی به این جنبش در حال شکل‌گیری وارد شد. امیر پرویز پویان در برقراری ارتباط با یاران صمد در تبریز توانست تشکیلات نوپا و در حال نضج‌گیری را سامان بخشد.

با آغاز جنبش چریکی در جنگل‌های سیاهکل روند پیوستن معلمان به جنبش فدائیان شدت یافت. دهها معلم به صفوف فدائیان پیوستند و همراه آنها رزمیده و جان در راهی که برگزیده بودند، نهادند. حضور معلمانی چون عباس صفایی فراهانی ایرج نیری را در سیاهکل و در جنبش فدائیان، آموزگاران دیگری چون محمدرضاقتربریور، مرضیه احمدی اسکویی، عباس



وظیفه‌ی احزاب و سازمان‌ها را یک تنه بر دوش می‌گیرد. تفکر چریکی با عوض کردن جای روشنفکر و توده‌های زحمتکش، می‌خواهد نقش موتور برانگیزنده را بازی کند، عمل‌گرایی انقلابی بر کار توده‌ای و سازمانی ارجحیت می‌یابد و چریک با پذیرش عمر متوسط 6 ماهه، قدم در این راه پرخطر می‌گذارد. حماسه‌ی سپاهک را باید از این زاویه ارزیابی کرد. فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های مثال‌زدنی فعالین چریکی، به ویژه فدائیان خلق، در طول یک دهه پیکار نابرابر و خونین با رژیم ستم‌شاهی، جایگاه والایی برای آن‌ها رقم می‌زند. بازتاب این سنت شکنی و محبوبیت را می‌توان در عرصه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی و از جمله در شعر سال‌های منتهی به انقلاب 57 به خوبی نشان داد:

چریک کیست؟ کسی که سواره می‌آید  
به پاسداری سنگ و ستاره می‌آید  
به زیر پرده‌ای از خون اگر چه پنهان است،  
- حقیقت است و برون ز استعاره می‌آید  
... دهل به هل‌هله آرید و سر سرود کنید  
که از چهار جهت بهر چاره می‌آید! (6)

ایستایی و سکون مرگبار پس از کودتای 28 مرداد، ناامیدی و سرخوردگی فعالین سیاسی و انزوای غم‌انگیز قلم به دستان مبارز، سکوتی قبرستانی به وسعت جغرافیای ایران رقم زده



. جرقه‌های هرازگاهی پراکنده را شعله‌ای پاسخ نمی‌گفت. ماجرای سپاهک اما روایت دیگری دارد. جرقه‌ای بود که پاسخش آتشفشان سیاسی و ادبی شد. بسیاری کتاب و مجله با محتوای ستایش از حماسه‌ی جنگل از ویرترین کتاب فروشی‌ها سر برآوردند، در محافل دانشجویی سمپاتی‌ها به جنبش چریکی گسترش یافت، گرایش به مطالعه‌ی ادبیات چریکی و آگاهی از تاریخ مبارزاتی چریک‌های بولیوی، کوبا و ... به مرکز توجه هسته‌های مطالعاتی - سیاسی دانشجویی منتقل شد، چه گوارا و کاسترو به شخصیت‌های ایده‌آل بسیاری از فعالین دانشجویی تبدیل شدند، شعر متعهد که در طول یک دهه مقهور نوگرایی و فرمالیسم عمل‌ستیزان بود، ارزشی دوباره یافت و از چنان رونقی برخوردار شد که بی‌اعتنایان به درد مردم را مجال جلوه‌نماید و هر یک به گوشه‌ای خزیدند، سرخوردگان دپروزی سکوت خلوت خود را ترک کردند و در فضای دیگرگون 19 بهمن، گاهی زبان به شعر و شعار 57 49

سپاهک در دفترهای شعری بسیار پررنگ می‌شود: در دهه‌ی پنجاه کمتر شعر سیاسی (و گاه غیر متعهد) یافت می‌شد که متأثر از واقعه‌ی جنگل نباشد و نامی از جنگل در آن نیاید. (7)  
با این وجود افراط و هیجان برآمده از آن رخ داد، ارزش زیباشناختی برخی از شعرهای این دوره را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد:

بخودم می‌گویم  
من همین فردا

که بروی پلک همسفرم خوابیده است،

صدها بمب خواهیم ریخت،  
تا اگر خواست بیازارد پلک او را  
(8) ...

بسامد تکرار واژگان هم خانواده با جنبش چریکی همچون گلوله، مسلسل، رگبار، آتش، خنجر، ... فزونی گرفته، زبان و فرهنگ شعری را دگرگون می‌کند. به تبع افزایش واژگانی از

## پا به پای جنبش چریکی در شعر

### " تأثیر جنبش چریکی بر شعر و ادبیات "

وقتی میرزاده‌ی عشقی در دفاع از حقوق مردم به خاک و خون می‌گلتد، می‌شود مصداق :

اعلان زوال سیم و زر خواهیم داد

یا افسر شاه را نگویند  
یا بر سر این عقیده سر خواهیم داد (1)

این شعر و آن سرنوشت، شاید به تعبیری طلیعه‌ی زود هنگام تفکر چریکی و مبارزه‌ی مسلحانه در ایران باشد. دیرتر از آن و پس از کودتای 28 مرداد، تشبیهات پراکنده‌ای در شکل دهی عملی به حرکات چریکی به وقوع می‌پیوندد. هم زمان، فرهنگ این شیوه از مبارزه، به ویژه با الهام از ادبیات چریکی آمریکای لاتین، محافل روشنفکری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سال‌ها پیش از حماسه‌ی سپاهک، شاملو شعر از زخم قلب آسانی را می‌سراید با این بند پایانی:

بین شما کدام

- بگویند!

بین شما کدام

صیقل می‌دهید

سلاح آسانی را

(2)

این شعر و شعرهایی دیگر از این دست، هم سویی شاملو را با جنگ مسلحانه به نمایش می‌گذارد، اگر چه خود ادعایی دیگر داشته باشد.

شاملویی که ... با شعر حماسی و عصیانگرش پرچمدار فرهنگی جنبش چریکی ایران بوده است و بسیاری از شعرهایش را مبارزان و زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه‌ها زمزمه می‌کرده (3).

شعفی کدکنی با اشاره به مصراع‌های زیر:

حیات خانه ما تنهاست

حیات خانه ما تنهاست

از پشت در صدای تکه تکه شدن می‌آید

همسایه‌های ما همه در خاک باغچه‌هاشان به جای گل

خمپاره و مسلسل می‌کارند

همسایه‌های ما همه بر روی حوض‌های کاشی‌شان

سربوس می‌گذارند

و حوض‌های کاشی

بی‌آن که خود بخوانند

انبارهای مخفی باروتند

و بچه‌های کوچک ما کیف‌های مدرسه‌شان را

از بمب‌های کوچک پر کرده‌اند

حیات خانه ما گنج است. (4)

فروغ را نخستین مبشر جنگ‌های چریکی و مبارزه‌ی مسلحانه به حساب می‌آورد. همچنین است بسیاری از شعرهای سعید سلطان‌پور در صدای میرا، از جمله این بند از شعر کیست می‌گریدی؟

ما به امید مسلسل‌های وحشی زنده می‌مانیم

ما غرور سنگ‌ها و خنده‌ی فواره‌ها را مرگ می‌سازیم

و سحر آغاز می‌داریم بر مردار شب‌آواها مان را

و همه ذرات پاک آسمان صبح می‌نوشند

5.

انتشار دامنه‌دار این فرهنگ، بیش از هر چیز می‌تواند واکنشی باشد به سرکوب مطلق و جو پلیسی فراگیر. وقتی حضور بلامنازع استبداد مانع از هرگونه حرکت اعتراضی و عدالت‌خواهانه می‌شود و نیروهای امنیتی تمام راه‌های بیان عقیده و آزادی طلبی را به روی مردم می‌بندد، پتانسیل انقلابی روشنفکری در واکنشی شتاب‌آلود و تحول‌جویانه، با توسل به سرب و باروت،

این دست در شعر شاعران، شمار شعرهایی که ضرباهنگی تند و حماسی دارند، افزایش می یابد، گو این که هم دستی ریتیم و کلام حماسی مسیر 19 بهمن تا سقوط رژیم را کوتاه تر خواهد کرد:

از کوچه های صبح

کسی می گذرد

از کوچه های صبح

اینک کسی

)

صریح و

سرکش و

طوفانی

می گذرد

در سرخی زلال سحرگاهان

می شوید. (9)

\*\*\*

## در حاشیه مصاحبه تلویزیونی بی بی سی با بهرز خلیق و محمدرضا شالگونی

18 بهمن و در آستانهٔ چهلمین سالروز بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در تلویزیون فارسی بی بی سی، میزگردی با حضور آقایان بهروز خلیق از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و محمدرضا شالگونی از سازمان راه کارگر و دو میهمان دیگر برگزار گردید. با شناختی که از مواضع آقای شالگونی داشتیم انتظار می رفت، این میزگرد به چالش بزرگ برای مواضع لیبرالی سازمان ما و عدول از خاستگاه چپ و سوسیالیستی سازمان تبدیل در شروع برنامه آقای شالگونی با اعلام اینکه فردی مارکسیست است، از تاریخ یکصد سالهٔ چپ ایران دفاع نمود. مواضعی که ما را به نتایج بحث امیدوارتر کرد. اما متأسفانه این امیدواری دقیقی بیش طول نکشید و با تکرار ادعای واهی همکاری اکثریت در لو دادن مخالفین، بحث به مسیری که گردانندگان بی بی سی انتظارش را داشتند، کشیده شد. بطوریکه در ادامه دیگر نیازی به "زرین آبادی" برای لجن مال کردن چپ باقی نماند. حتی آتش بقدری شور شد که مجری برنامه به نوعی وی را از مباحثات کنار گذاشت.

قبل از این که جوابی به آن ادعاهای غیر واقعی بدهیم، لازم است از آقای شالگونی بپرسیم که طرح چنین ادعاهایی حتی به فرض صحیح بودن آن، که البته توضیح خواهیم داد که چنین تا چه حد به نفع و یا ضرر چپ تمام شد. نزدیک به سه دهه است که این ادعای نادرست را تکرار می کنید، و از تکرار آن هم خسته نمی شوید، فکر نمی کنید لازم است بجای خودزنی و تضعیف اردوی چپ بایستی به مسائل جنبش از جمله اتحاد نیروهای چپ، پاسخ در خور بدهیم. آیا تکرار بی پایان چنین ادعاهایی برای فرار از زیر بار مسئولیت نیست؟ چرا که اگر نباشد چنین توهماتی، می توانید ضرورت اتحاد چپ و عمل مشترک را انکار نمائید؟ امری که ظاهراً رغبتی بدان ندارید. ما نمی توانیم کل این روند را به پای سرویس های اطلاعاتی رژیم در ایجاد نفاق و تفرقه در بین مخالفین و بخصوص چپ ها بگذاریم. خود چپ نیز مقصر است. شما بعنوان بخشی از نیروهای چپ نه تنها اقدامی در زدودن این اختلافات و تنش ها ننموده اید، بلکه به این تفرقه و تشتت دامن زده اید. برآستی ما و شما و دیگر نیروهای چپ هیچ وجه مشترکی در مبارزه نداریم؟ اساساً نیروها و احزاب و سازمان های سیاسی هم سوی شما در مبارزات دمکراتیک و مبارزه طبقاتی کیانند؟ و بطور مشخص چند سازمان و حزبی را که می توانید با آنها حول مواردی معین همکاری نمائید، نام ببرید؟

انتظار ما بیش از این بود. شما را به لحاظ مواضع سیاسی و اجتماعی تان در بین نیروهای چپ فردی توانمند و در مجموع قابل قبولی ارزیابی می نمایم، در این فرصت نیز که مخاطبانی غیر از نیروهای چپ داشت، توقع ما تشریح اهداف و برنامه ها و راهکارهای چپ برای مسائل اجتماعی امروزین کشورمان بود. اما تصویری که شما از چپ ارائه کردید برای عموم مردم مبهم برداشت مردم از گفته های شما، چپ به نیروهایی غیر مؤثر و درگیر با خود محدود می شود. آیا واقعیت وجود چپ این است؟ متأسفانه شما با افتادن در دام بی بی سی نشان دادید که شخصیت سیاسی شما متناسب با وزن تئوریک تان نیست و احساسات و شاید هم نفرت شما مانع از موضع گیری مناسب تان در شرایط مشخص می شود.

- 1- عشقی، میرزاده، کلیات مصور، به کوشش علی اکبر مشیر سلیمی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چ. 409 1357
- 2- 1372 54
- 3- موسوی، حافظ، پانویشت ها، نشر آهنگ دیگر، چ. اول، تهران، 1388 214
- 4- شفیع کدکنی، محمد رضا، ادوار شعر فارسی، نشر سخن، چ. اول، تهران، 1380 79 80
- 5- سلطان پور، سعید، صدای میرا، انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، 1357 ....
- 6- صادقی، عباس "، غزل خون، کتاب زمان، چ. 108 107 1358
- 7- لنگرودی، شمس، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد چهارم، نشر مرکز، چ. پنجم، تهران، 1387 15
- 8- گلسترخی، خسرو، ای سرزمین من، به کوشش کاوه گوهرین، مؤسسه انتشارات نگاه، چ. 1376 25
- 9- میرفطروس، علی، سرود آنکه گفت: " !"، انتشارات کار - انتشارات نگاه، چ. 54

دریافتی از طریق امیل

آقای خلیق رفیق سازمانی ما قرار داشت. ما به لحاظ باورهای سیاسی و ایدئولوژیک اختلافات زیادی با ایشان و طیف هم فکر شان در سازمان داریم و خواهیم داشت. رفتار سنجیده وی در اجتناب از ایجاد تنش ها و پرهیز از رفتارهای احساسی در قبال ادعاهای سنگین شما و رفتار اهانت آمیز آقای زرین آبادی نسبت به سازمان ما و کل نیروهای چپ، بیانگر توانمندی های وی بعنوان شخصیتی سیاسی داشت. آقای خلیق نشان دادند که قابلیت های خوبی در عرصهٔ پراتیک سیاسی دارند.

رفیق شالگونی، نزدیک به سی سال است که مدعی همکاری سازمان ما با رژیم در لو دادن مخالفین هستید و از تکرار این ادعای نادرست هم خسته نمی شود. ما انکار نمی نمایم که طی 59 62 موضع گیری های نادرستی داشته ایم. مواضعی که برای سازمانی سیاسی در حد و حدود ما قابل بخشش نیست. هر چند که علیرغم سیاه نمایی ها این تمامی چهرهٔ ما نیست. وجوه مثبت ما بیشتر از آنی است که کسانی بخواهند انکار نمایند. اجتماعی صرفاً به آن موضع گیری های غیر قابل دفاع محدود نمی شود. سازمان در شکل گیری تشکلهای صنفی و توده ای یکی از دستاوردهای جنبش چپ در عرصهٔ اجتماعی است. البته ما نیز معتقدیم که رهبران و بخصوص دبیر اول وقت سازمان بایستی پاسخگوی این خطای بزرگ سیاسی باشند.

اما در مورد ادعای شما و دوستان بیشمار از چپ که متأسفانه با سرویس های اطلاعاتی رژیم هم آواز شده اید. یک مورد هم نمی توانید بعنوان نمونه شاهد بیاورید که رفقای ما کسانی از انقلابیون را لو داده باشند. ما اگر چه آن روزها در رهبری سازمان نبوده ایم ولی بعنوان بخشی از فدائیان بیاد نداریم که از طرف رهبری رهنمودی در مورد همکاری با رژیم در این اما صدها مورد وجود دارد که ما در حفاظت و پناه دادن و یا رد کردن رفقای دیگر جریانات از جمله رفقای شما همکاری نموده ایم. هنوز رفقای راه کارگری زیادی هستند که این ادعای ما را تصدیق کنند. رفقای که مدعی اند زندگی خود را مدیون رفقای اکثریتی هستند. موردی را به یاد داریم که یکی از رفقای شما را با کسب اجازه از سازمان برای شش ماه حفاظت و به منطقه امنی انتقال دادیم. بودند رفقای چریک، و اقلیتی شناخته نشده ای که آنها را به عنوان اکثریتی معرفی و از زندان و اعدام رها نمودیم. بودند رفقای پیکاری که در پنهان شدن شان یاری نمودیم. رفیق شالگونی شاید باور نکنید همهٔ اینها و یا حداقل اکثر این موارد با اطلاع سازمان انجام می گرفت.

همکاری توأبین و کسانی که نتوانستند شکنجه های غیر انسانی را تاب بیاورند، با رژیم در بین تمامی جریانات سیاسی کم و بیش وجود داشت. اما شاید باور نمائید بخشی از اعضاء و هواداران این نیروها بدلیل نفرتی که رهبران سازمان شان با همین ادعاهای واهی که شما نیز در بی بی سی تکرار نمودید، در نهادشان کاشته بودند، در لو دادن و حتی شکنجهٔ اکثریتی ها و

بعنوان یک کمونیست از شما انتظار داریم پس از سی سال بجای پراکندن تخم نفاق، به اتحاد نیروهای خود بیاندیشیم. به اتحادی فرآگیر از نیروهای دمکرات و آزادیخواه. شاید دور نباشد آن روزی که با دسترسی به پرورنده های بایگانی شده در دادگاه های انقلاب و وزارت اطلاعات حقایق بر ما و شما روشن شود. مطمئن باشید ما اگر گناه دیگران هم بگذریم از تقصیر رفقای خود به سادگی نخواهیم گذشت.